

نام کتاب: مصحف امام علي(ع)

نویسنده: محمد علي ايازي.

## مقدمه

از بحث‌انگیزترین موضوعات تاریخ قرآن، بحث درباره مصحف امام علی (ع) است. این موضوع از چند جهت مورد بحث و گفت‌وگو است؛ از جهتی بحث درباره گردآوری قرآن و آغاز تدوین این کتاب آسمانی و از جهتی، تاریخچه تفسیر و علوم قرآنی. پژوهش‌گران بسیاری می‌خواهند بدانند که مصحف امام چه بوده و آیا چنین کتابی وجود خارجی داشته و علی (ع) نخستین گردآورنده قرآن بوده است. دیگر آن‌که آیا این کتاب تنها نسخه‌ای از قرآن بوده است یا چیزی مفصل‌تر از قرآن، و اگر تنها قرآن بوده است، به چه ترتیبی و کیفیتی. آنان برآنند تا بدانند که مصحف علی (ع) به ترتیب نزول گردآوری و تنظیم شده است یا کسی این مصحف را ندیده و تنها گزارشی را نقل کرده است. پرسش دیگر درباره استناد به روایات مصحف است که آیا چنین روایاتی تنها در منابع شیعه آمده‌اند یا در منابع اهل سنت نیز نقل شده‌اند. پرسش‌های دیگری نیز هست که آیا میان کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع) تفاوتی هست و یا این دو، مجموعه‌ای یگانه را تشکیل می‌دهند؛ حدود دلالت و جایگاه نقل این روایات کجا است و از آن مهم‌تر، ویژگی‌های این مصحف بنا بر همین دسته از اخبار چیست.

از آن‌جا که خلفای سه‌گانه مصحف علی (ع) را نپذیرفته‌اند و این کتاب هم‌اینک در دسترس نیست، گروهی قائل به تحریف قرآن شده‌اند. همین امر، جنجال‌هایی را درباره چگونگی محتوای مصحف پدید آورده و مباحث کلامی و ویژه‌ای را پدید آورده و شبهه‌هایی را درباره اصل مسئله و چگونگی آن مطرح ساخته است. پژوهش درباره چگونگی

این مصحف و پاسخ دادن به شبهه‌ها برای روشن شدن واقعیت بسیار سودمند است. در آغاز این بحث می‌کوشیم واژه «مصحف» و پیشینه به‌کارگیری آن را در روزگار پیش از اسلام و پس از اسلام توضیح دهیم و آن‌گاه چگونگی استعمال این واژه را در روایات بررسی کنیم. سپس می‌کوشیم استنادات تاریخی و حدیثی مصحف را در منابع شیعی و سنی نشان دهیم و دیدگاه ناقدان و قرآن‌پژوهان را بازگوییم و به پژوهش نهم. اما بی‌گمان، مهم‌ترین بخش پژوهش در آن‌جا است که ویژگی‌های مصحف و جلوه درونی و برونی‌اش را به بحث می‌گذاریم. همچنین، بایسته می‌نماید مقایسه‌ای میان مصحف امام و مصحف حضرت فاطمه (س) صورت پذیرد و تفاوت‌های جوهری آن‌ها شرح داده شود. در بخشی دیگر به ویژگی‌های مصحف امام علی (ع) پرداخته‌ایم. در این بخش، افزون بر ارزیابی روایات و استنادات، به شرح واژگان و روایات و تفسیر جمله‌های رسیده درباره ویژگی‌های مصحف - به‌ویژه در مبحث ترتیب نزول - نیازمندیم. در بخشی دیگر از پژوهش خویش، کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع) را با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. از آن‌جا که روایاتی بسیار درباره کتاب علی (ع) در منابع شیعه و سنی به چشم می‌آید، ویژگی‌های این کتاب را برشمرده‌ایم و این مسئله را مطرح ساخته‌ایم که آیا می‌توان مصحف علی (ع) را همان کتاب علی (ع) پنداشت. سرانجام، پایان‌بخش پژوهش حاضر را به طرح شبهه‌ها و پاسخ‌ها اختصاص داده‌ایم.

## مصحف چیست

خلیل بن احمد فراهیدی (م 170 ق) می‌گوید: «مصحف را بدان رو مصحف گویند که جامع نوشته‌های میان دو جلد است.»<sup>[1]</sup> معمولاً مصحف از چند صحیفه و صحف سامان می‌یابد.<sup>[2]</sup> نکته‌ای که بیشتر لغت‌پژوهان بر آن پای فشرده‌اند و آن را بر قید «جامعیت» افزوده‌اند، مکتوب بودن میان دو جلد است. تفاوت صحف و مصحف در این است که صحف عبارت از ورق‌ها و لوح‌هایی است که وقتی می‌خواهند آن‌ها را به یکدیگر پیوند زنند و مجموعه‌ای یگانه پدید آورند، میان دو لوح یا دو جلد می‌گذارند. از این روی گفته‌اند: المصحف هو الجامع للصحف المكتوبة بين الدفتين؛ «مصحف، مجموعه صحف مکتوب میان دو جلد را گویند.» بنابراین، جای دادن قرآن در مصحف، بدین معنا است که اولاً آن را از حالت پراکندگی در آورده‌اند و ثانیاً میان دو جلد گذاشته‌اند. تفاوت میان قرآن و مصحف در همین است.

## مصحف امام علی

پیش از هر چیز باید اطمینان یابیم که آیا چنین مصحفی وجود خارجی داشته است یا نه. برای این کار به گزارش مصادر و رجال نخستین حدیث، تاریخ و سیره نیازمندیم تا روشن سازیم چنین کتابی در دوران نخستین مطرح بوده و کتاب‌ها نیز از آن سخن گفته‌اند. در اینجا در دو بخش به پژوهش می‌پردازیم و درباره راویان و مؤلفان شیعه و سنی سخن می‌گوییم. راویان مصحف امام علی

راویانی که از وجود مصحف امام علی (ع) به صراحت سخن گفته‌اند و یا از موضوع گردآوری قرآن به دست حضرت یاد کرده‌اند، عبارتند از:

1. سُلم بن قیس هلالی (م 76 ق) در احادیث چهارم، دهم، یازدهم، دوازدهم و چهل و دوم کتاب، به اصل مصحف امام علی (ع) و ویژگی‌هایش اشاره کرده است.<sup>[3]</sup> گفتار سلیم درباره مصحف، به آنچه دیگران گزارش داده‌اند بسیار نزدیک است و از این رو در نقل وجود موضوع، با آن‌ها هماهنگ است. از سوی دیگر، سُلم این خبر را از چند صحابی پیامبر و یاران نزدیک امام علی (ع) نقل کرده است؛ مانند ابوذر غفاری (م 32 ق)، سلمان فارسی (م 34 ق)، و ابن عباس (م 68 ق).

2. ابن عباس نیز از راویانی است که مستقلاً درباره مصحف سخن گفته است. به عنوان نمونه نقل است: قال ابن عباس: فجمع الله القرآن في قلب علي و جمعه علي بعد فوت رسول الله بسطة اشهر؛<sup>[4]</sup> «خداوند قرآن را در قلب علی بر نشاند و علی پس از پیامبر خدا، در شش ماه آن را گرد آورد.»

## مصحف امام علی در منابع شیعه

گفتیم در بخشی از منابع و مصادر شیعی، از مصحف امام آشکارا سخن رفته است؛ گرچه از کتاب‌های معتبر چهارگانه شیعه، تنها الکافی از آن یاد کرده و شرحی مختصر آورده و درباره اش از امام صادق (ع) حدیث نقل کرده است. چنین گزارش‌هایی در دیگر کتاب‌های آن روزگار، کم و بیش به چشم می‌آیند که گاه در ضمن گفته و کلامی مربوط

به رویدادهای عصر رسالت یا مربوط به کیفیت جمع قرآن آمده‌اند. به عنوان نمونه، شیخ صدوق در کتاب التوحید از جابر بن یزید جعفی (م 127 ق)، که از یاران امام باقر و صادق (ع) است، از امام باقر (ع) حدیثی درباره توحید و نفی تشبیه نقل می‌کند و زمان خطبه را معین کرده، می‌گوید: **في خطبة خطبها بعد موت النبي بسبعة ايام و ذلك حين فرغ من جمع القرآن.** [5].

سُلیم بن قیس هلالی در چندین روایت از مصحف نام برده و از آنجا که او از اصحاب نخستین امامان به شمار می‌رود، سخن گفتن او از مصحف امام شایسته توجه و تأمل است. در کتاب سلیم این گزارشها در حدیث چهارم (ج 2، ص 581)، یازدهم (ج 2، ص 659) و دوازدهم (ج 2، ص 665) و چهل و هشتم (ج 2، ص 862) آمده است.

### مصحف امام علی در منابع اهل سنت

خبر مصحف امام علی از اموری است که در منابع گوناگون اهل سنت نقل شده و با آنکه بخش‌هایی از آن مورد بحث و تأمل بوده، باز در این کتابها منعکس شده است. در مواردی اهل سنت در قبول آن واکنش نشان داده و یا چون گمان کرده‌اند پذیرفتن این مصحف مشکلاتی تاریخی و اعتقادی به وجود می‌آورد، به توجیه و تفسیر این پدیده پرداخته‌اند؛ در حالی که نفس انعکاس این گزارشها در منابع اولیه و قبول اصل آن در برخی منابع، حاکی از واقعیت و اصالت داشتن آن در تاریخ بوده است. اکنون به شماری از این مؤلفین و راویان اشاره می‌گردد:

1. مقاتل بن سلیمان بلخی (م 150) در تفسیرش که از نخستین تفاسیر اجتهادی و

در حد خود بسیار مفصل می‌باشد، از کسانی است که به‌طور ضمنی به مصحف امام علی اشاره می‌کند. [6].

2. محمد بن سعد زهري (م 230) وي از نخستين تاريخ نويساني است که به مصحف حضرت اشاره می‌کند. خوشبختانه اثر او باقي مانده است. ابن سعد در اين کتاب تنها يك خبر، و آن هم از طريق اسماعيل بن ابراهيم، از ايوب و ابن عون، از محمد بن سيرين، درباره مصحف امام می‌آورد. [7].

3. محمد بن ايوب بن زريس، معروف به ابن زريس (م 294) که مسئله نخستين گردآورنده و سوگند امام علي براي خانه نشستن را از ابن سيرين و عكرمه نقل کرده است. [8].

4. ابن ابی‌داؤد سجستاني (م 316) در کتاب المصاحف از کسانی است که خبر را آورده و آن را نقد کرده و از آن‌جا که مسئله نخستين گردآورنده براي وي و عده‌اي ديگر، چون ابن کثير (م 774) و ابن حجر عسقلاني (م 852) بسیار مهم بوده، به نقد و توجیه این روایت پرداخته‌اند.

5. محمد بن عبدالله بن اشته، معروف به ابن اشته (م 360) یکی دیگر از کسانی است که مصحف امام را از طريق دیگری، به جز طريق سجستاني، نقل و حتي براي آن خصوصياتي ذکر می‌کند. [9].

6. ابن ندیم (م 380) در کتاب الفهرست با طريق دیگری خبر از مصحف امام می‌دهد. وي این روایت را از احمد بن جعفر بن محمد منادي (م 332) از طريق خودش نقل می‌کند. [10].

## ناقدان سنی مصحف امام علی

گروهی از قرآن‌پژوهان و حدیث‌شناسان از اهل سنت، اخبار مصحف علی (ع) را دارای اشکالاتی دانسته‌اند و به همین دلیل وجود آن‌ها را منکر شده‌اند و اخبار رسیده را به‌گونه‌ای تفسیر و توجیه کرده‌اند. اشکالات یاد شده به شرح زیرند:

1. روایات مصحف امام با روایاتی دیگر ناسازگارند؛ روایاتی می‌گویند: نخستین گردآورنده قرآن ابوبکر است. از قضا، برخی از همین روایات، از امام علی (ع) و از طریق راویانی نقل شده‌اند که روایات مصحف امام را نقل کرده‌اند.

2. روایات ابن سیرین از امام علی (ع) محل مناقشه است؛ زیرا طریق ابن سیرین به امام علی (ع) منقطع است.<sup>[11]</sup> محمد بن سیرین متولد سال 33 و متوفای سال 110 قمری است، در حالی که امام علی (ع) در سال چهارم قمری به شهادت رسیده است. از این‌رو، هنگام شهادت آن حضرت، ابن سیرین هفت ساله بوده و نمی‌توانسته بی‌واسطه از امام خبر نقل کند. از سوی دیگر، واسطه خبر نیز نامشخص است. ابن حجر در فتح‌الباری در شرح صحیح بخاری، این اشکال را مطرح ساخته است.<sup>[12]</sup> کسانی دیگر نیز به این اشکال اشاره کرده‌اند؛ مثلاً سیوطی بی‌آن که اظهار نظر کند، اشکال را از او نقل کرده است.<sup>[13]</sup> اما این اشکال در صورتی وارد است که خبر ابن سیرین منحصر به همین طریق باشد؛ در صورتی که ابن شریس، از نضر بن شَمیل به نقل از عوف از ابن سیرین از عکرمه، دو خبر را نقل کرده و هر دو خبر درباره گردآوری و کیفیت تنظیم مصحف امام است.<sup>[14]</sup> در این صورت،



واسطه میان ابن سیرین و امام، عکرمه است و خبر از انقطاع درمی‌آید. عکرمه بربری، مولای عباس، از کسانی است که حضرت را به خوبی درک کرده و در شمار خوارج بوده است.

3. بر فرض که مشکل انقطاع حل شود، طریق خبر دارای مشکل است؛ زیرا اشعث بن سوار کندي از محمد بن سیرین نقل می‌کند و اشعث «لین الحدیث» است؛ یعنی کسی است که در نقل خبر از دیگران تساهل می‌کند. [15].

### دیدگاه مورخان و مفسران درباره مصحف امام علي

آنچه تا کنون بیان شد، نقل روایات در منابع اهل سنت و شیعه بود و نقل، اعم از پذیرش و قبول است، ولی برخی از محدثان اهل سنت به نقد این روایات برآمده‌اند یا کسانی مانند سلیم بن قیس و طبرسی و ابن شهر آشوب، از موضع قبول و دفاع به نقل این اخبار پرداخته‌اند؛ اما در این نوشته‌ها، کمتر تحلیلی مستقل از روایات انجام گرفته است. کسانی دیگر نیز هستند که به نقل مستندات تاریخی بسنده نکرده و به تحلیل آن‌ها پرداخته‌اند. یعقوبی (م 292 ق) از این کسان است که به تفصیل درباره مصحف امام علي (ع) اظهار نظر کرده و با بیانی ویژه درباره چگونگی مصحف سخن گفته و از ترتیب خاص سوره‌ها گزارش داده است؛ بی‌آنکه منابع گفتار خویش را برشمارد. از آنجا که وی از نخستین کسانی است که درباره مصحف نظریه‌ای مطرح ساخته و با شرحی گسترده آن را وصف کرده است، نوشته‌های او از نظر تاریخی بسیار مهم و شایسته توجه به نظر

می‌رسند؛ هر چند مطالب او جای نقد و تأمل بسیار است. او در گزارش خویش می‌نویسد:  
برخی روایت کرده‌اند که علی بن ابیطالب، پس از وفات پیامبر خدا، آن را فراهم ساخته و بر شتری نهاده و پیش جمعیت آورده و گفته است: «هذا قرآن قد جمعته؛» «این قرآنی است که من گردآورده‌ام.» حضرت آن را به هفت جزء و بخش تقسیم کرده بود. برخی گفته‌اند که علی گفته است: «قرآن بر چهار بخش نازل شده است.»

از نکته‌های دیگر، توضیحات یعقوبی و نامگذاری وی بر سوره‌ها است که با گزارش دیگران متفاوت است؛ مثلاً سوره قصص را به نام سوره «موسی و فرعون» و سوره جاثیه را به نام سوره «زمر شریعت» وصف کرده است، یا در بسیاری از موارد نام سوره را با آیه نخست آن آورده؛ مانند سوره «أنا اعطیناک الکوثر»، سوره «أنا ارسلنا نوحاً» و سوره «قل اوحی الیّ». [31].

یکی دیگر از کسانی که به مصحف امام در چند جا اشاره کرده است، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (م 413 ق) است. او در کتاب اوائل المقالات، به مناسبت نقد قائلین به تحریف و اینکه از قرآن کنونی هرگز کلمه، آیه و سوره‌ای حذف نشده است، اصل وجود مصحف و شیوه مطالب آن را پذیرفته و تنها از این رو که برخی گمان کرده‌اند پذیرش وجود مصحف، اعتراف به تحریف قرآن است، توضیح می‌دهد که مطالب گرد آمده در مصحف، در تفسیر و تأویل قرآن و متکی بر وحی است، اما نص قرآنی نیست. [17] همچنین در کتاب مسائل السرویه می‌نویسد:

بی‌گمان، امیرمؤمنان قرآن نازل شده را از آغاز تا فرجام گرد آورده و بر طبق ترتیب نخستین تألیف کرده است؛ سوره‌های

مکی را بر مدنی و منسوخ را بر ناسخ مقدم داشته و هر آیه و سوره‌ای را در جای خویش برنهاده است. از این‌رو، امام جعفر بن محمد صادق (ع) فرموده است: «به خدا سوگند، اگر قرآن، چونان که نازل شده بود خوانده می‌شد، بی‌گمان نام ما را در آن می‌یافتید؛ همان‌گونه که نام پیشینیان ما در آن یافت می‌شد.» [18].

این سخن نیز آشکار می‌سازد که در دیدگاه شیخ مفید، وجود مصحف امام مسلم بوده است. درباره دیدگاه شیخ مفید در باب ترتیب مصحف به ترتیب نزول یا عدم آن، پس از این سخن خواهیم گفت.

محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م 548 ق) در مقدمه تفسیر مفاتیح‌الاسرار، آنان را که مصحف امام علی (ع) را به کنار نهادند، با لحنی بازخواست کننده، مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌نویسد:

چگونه آنان گردآوری علی بن ابی‌طالب را مطالبه نکردند؟ آیا زید بن ثابت بهتر می‌توانست بنویسد؟ آیا سعید بن عاص ادیب‌تر و به فنون و قواعد عرب آشناتر بود یا علی؟ آیا آنان به پیامبر خدا نزدیک‌تر بودند یا ایشان؟ آری، همه آنان کار علی (ع) را وا نهادند و مصحفش را به کنار گذاردند و فراموشش کردند، در حالی که چون از تجهیز و تدفین و نماز بر رسول‌خدا فارغ شد، سوگند یاد کرد که عبادی خویش را جز برای نماز جمع‌ه بر دوش نیندازد مگر آن‌که قرآن را گرد آورد. بی‌گمان، او مأمور این کار بود. قرآن را گرد آورد؛ چونان که نازل شده بود، بی‌تحریف و تبدیل و کم و زیاد. پیامبر گرامی همواره او را از موضع آیات و سوره‌ها آگاه کرده بود و جایگاه و تقدم و تأخر آن‌ها را نشان داده بود.

ابوحاتم رازی [م 327 ق] در وصف مصحف امام علی گفته است که او هر آیه‌ای را در کنار آیات مشابهش برنهاده بود. برخی دیگر گفته‌اند که در مصحف امام علی، مطالب در دو بخش متن و حواشی بوده است؛ در متن قرآن کریم بوده است و در حاشیه مصحف، مباحث مربوط به آیه. [19].

در میان نویسندگان و مفسران پیشین، کمتر کسی مانند شهرستانی به تفصیل از این موضوع سخن گفته و به ترتیب مصحف پرداخته است. چنان‌که گفته آمد، گزارش وی تنها نقل روایت نیست، بلکه وصف و تحلیل و نقد است. ابن ابی‌الحدید (م 655 ق) در شرح نهج‌البلاغه نیز چنین کرده است. او در آغاز کتاب، به مناسبت ذکر فضایل امیرمؤمنان (ع)، به مسئله گردآوری قرآن اشاره می‌کند و این‌که علی (ع) نخستین کسی است که پس از پیامبر بدین کار پرداخته است. او می‌نویسد:

همه بر این باورند که علی (ع) قرآن را در زمان پیامبر از بر کرده و کسی دیگر جز او چنین نکرده بود و او نخستین کسی بوده که قرآن را گرد آورده است. گفته‌اند که او در بیعت با ابوبکر تأخیر ورزیده است، و اهل حدیث معتقدند این‌که شیعیان می‌گویند نشستن او در خانه برای دوری از بیعت بوده است، درست نیست، بلکه برای اشتغال به گردآوری قرآن بوده است و این دلیل بر آن است که او نخستین گردآورنده قرآن است. [20].

ابن ابی‌الحدید به مناسبت ذکر حوادث پس از پیامبر، افزون بر این‌که به گردآوری قرآن در مصحف واحد اشاره می‌کند، به موضوعی می‌پردازد که کمتر در متون تاریخی و حدیثی به چشم می‌آید و آن موضوع همکاریان حضرت در گردآوری مصحف است. [21].

یکی دیگر از مفسران اهل سنت که درباره مصحف امام علی (ع) اظهار نظر کرده است، ابن جُزَي کلبی (م 741 ق) است. او در مقدمه تفسیر التسهیل لعلوم التنزیل می‌نویسد:

قرآن در عهد رسول خدا در صحیفه‌ها و سینه‌های مردم پراکنده بود. چون حضرت وفات کرد، علی بن ابیطالب در خانه نشست و قرآن را به ترتیب نزول گرد آورد. اگر مصحف او یافت می‌شد، در آن دانستنی‌هایی بسیار می‌توانستیم بیابیم، اما افسوس که یافت نشد. [22].

نکته شایسته توجه در این سخنان آن است که اولاً ابن جُزَي مصحف علی (ع) را نخستین مصحف کامل پس از پیامبر، و علی (ع) را نخستین گردآورنده می‌داند. دیگر آن‌که او مصحف علی (ع) را به ترتیب نزول می‌داند، اما مدرک سخن خویش را باز نمی‌گوید. سوم آن‌که مصحف را تنها نسخه‌ای از قرآن نمی‌داند؛ زیرا درباره‌اش می‌گوید: «لکان فیه علم کبیر.» مراد از تعبیر «علم کبیر» باید مطالبی دیگر، جز قرآن باشد. سرانجام این‌که، گفتار او نشان می‌دهد که در عهد ابن جُزَي این مصحف در دسترس نبوده و او تنها بر اساس گزارش‌های متون قدما از آن سخن گفته است.

از میان متأخرین، کسانی بسیار به وصف مصحف امام علی (ع) پرداخته‌اند؛ مانند فیض کاشانی، [23] ابو عبدالله زنجانی، [24] آیت‌الله خویی، [25] علامه عسکری، [26] سید جعفر مرتضی عاملی، [27] ابن خطیب در کتاب الفرقان [28] و ملاحویش آل‌غازی در تفسیر بیان المعانی. [29].

در این میان، برخورد متأخرین متفاوت است: برخی با تفصیلی بیشتر به موضوع پرداخته‌اند و برخی با اختصار؛ مثلاً جعفر نکونام، کتابی درباره مصحف امام نگاشته

و یا اکرم برکات عاملي، کتابي در حقيقت مصحف فاطمه (س) از دیدگاه شیعه برنوشته و بخشي از کتاب را به مصحف امام علي (ع) اختصاص داده است، و فتح الله محمدي در پاسخ به شبهه هاي ناصرعلي قفاري در کتاب اصول مذهب الشيعه به دفاع از مصحف امام علي (ع) پرداخته و پذيرفتن اين مصحف را مساوي اعتقاد به تحريف ندانسته است.

از نگاه ديگر، در ميان متأخران، كيفيت و ويژگي هاي مصحف امام علي (ع) و پاسخ به شبهه هاي قائلين به تحريف مهم بوده است؛ مثلاً آيت الله خويي در يك جمع بندي درباره شبهه هاي قائلين به تحريف مي نويسد:

تسالم علماي اعلام بر وجود مصحف امام، ما را از اثبات اين کتاب بي نياز مي کند و از اين رو به بحث درباره اين مصحف پاي نمي نهميم. اما اين که برخي پنداشته اند مصحف مشتمل بر چيزهايي افزون بر قرآن است، به اين معنا نيست که آن چه افزون است، از قرآن باشد، بلکه زياداتي تفسيري و بيان تاويلي است. [30].

وي آن گاه به تفصيل در تحليل و تفسير روايات مصحف امام وارد مي شود که در ذکر ويژگي هاي مصحف به آن ها خواهيم پرداخت.

سيد جعفر مرتضي عاملي نيز در آغاز بحث خویش اين پرسش را مطرح مي کند که آیا مصحف امام همان مصحفي است که نزد پیامبر بود و به حضرت وصيت کرد که آن را گرد آورد يا مصحف مستقل ديگري است؛ ثانياً اين مصحف با مصحف کنوني سازگار است يا ناسازگار، و اگر ناسازگار است، ناسازگاري اش از چه نوعي است؛ ثالثاً حجم اين مصحف چقدر بوده و مصادري که از وجود اين مصحف خبر مي دهند، تا چه حد قابل اعتماد و اعتنايند. او به اشکالات قائلين تحريف مي پردازد و بدون آن که بخواهد

پرسش‌های فوق را پاسخ دهد، ویژگی‌های مصحف امام را بر می‌شمارد. [31].

### چگونگی مصحف امام علی

پیش از این به منابع شیعی و سنی مصحف امام اشاره کردیم و گفتیم این روایات در منابع اصلی شیعه و سنی نیامده‌اند و بیشتر به ضعف سند دچارند. [32] با این همه، شمار روایات یادشده چنان بسیار است که دیگر نمی‌توان در اصل مصحف تردید کرد، و گویی از مجموع آن‌ها بسان اخبار مستفیض اطمینان حاصل می‌گردد. از این‌رو، بحث سندی را باز نمی‌کنیم و ناگزیر به ویژگی‌های مصحف و چگونگی محتوای آن می‌پردازیم.

نخستین پرسش این است که آیا مصحف امام علی (ع) قرآن بوده یا نه، و اگر قرآن بوده، آیا افزون بر قرآن مطلبی دیگر نیز در خود داشته است. پرسش‌های دیگر این است که تفاوت مصحف امام علی (ع) با سایر مصحف‌های عصر رسالت - مانند مصحف ابي بن کعب و مصحف عبدالله بن مسعود - چه بوده است؛ چه تفاوتی میان مصحف امام با مصحف حضرت فاطمه (س) می‌توان یافت و نسبت میان مصحف امام علی (ع) و کتاب علی (ع) چیست.

### ویژگی‌های مصحف امام علی

ویژگی‌های مصحف امام را در گزارش‌های رسیده می‌توان در دو بخش یافت. اول، بخشی است که جنبه اساسی دارد و در حقیقت، ویژگی‌های این مصحف را سامان می‌دهد که در بحث‌های آینده به آن خواهیم پرداخت. اما بخشی نیز مربوط به نشانه‌های ظاهری و در همان حال کارگشا در شناخت سیمای کلی مصحف است.

1. مصحف امام همه قرآن را در بر داشته است، نه برخی سوره‌ها یا آیه‌ها را؛ برخلاف برخی مصحف‌هایی که صحابه گرد آورده‌اند که گاهی چند مصحف مکمل یکدیگر بوده‌اند. در روایت چهارم سلیم بر این حقیقت تصریح شده و آمده است: فلما جمعه كله ... بعث اليه ابابكر. [33] یا در روایت دیگر آمده است: لم يسقط منه حرف. [34].

2. از سوی دیگر، اگر مصحف امام پیش از زمان مورد بحث نیز نوشته شده باشد، بار دیگر توسط حضرت کتابت و کامل گشته است. به ظاهر، روایات بر این نکته عنایت داشته‌اند که تأکید شود حضرت کاتب نداشته و خود، به دست خویش، مصحف را نگاشته است. این حقیقت را از چند روایت می‌توان برگرفت. در روایت دهم سلیم آمده است: فکتبته. [35] و در روایت چهارم آمده: و کتبه بیده. و در روایت یازدهم آمده: و خط یدی. [36] در جاهای دیگر نیز این تعبیر آمده است که آن مطالب با املاي رسول الله (ص) و خط امیرمؤمنان (ع) بوده است. البته در منابع اهل سنت، نکته مورد نظر، بیشتر بدون صراحت آمده است: فألفه و کتبه. [37].

3. نکته دیگر، چگونگی گردآوری و نگاشتن است. آیا این گردآوری به صورت اوراق پراکنده بوده یا طوماری در کار بوده است؟ با وضعیت نوشتافزارهای آن روزگار، که هنوز کاغذ در جزیره العرب موجود نبوده و پوست حیوانات قیمتی نیز در اختیار همه نبوده و اگر بوده به شکل کنونی میان دو جلد نبوده، امام مصحف را چگونه نگاشته است؟

روایات با تعبیرهایی گوناگون به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند. بنا بر برخی روایات، جمع‌آوری مصحف در میان دو لوح بوده است: **قد جمعته من اللوحين؛ [38] حتی يجمع القرآن بين**



اللّٰوْحِيْنَ. [39] البته معلوم نيست معنای اين دو عبارت متفاوت است يا نقل به معنا و اختلاف در تعبير است. در روايتي ديگر آمده است که حضرت اين مصحف را در پارچه و لباس نگاشته است، [40] در حالی که در جايي ديگر رنگ پارچه نیز مشخص شده است: فجمعه في ثوب اصفر. [41].

4. نوع گردآوری، بدیع و ابتکاري و انحصاري بوده است. عکرمه، که از مخالفان حضرت به شمار مي آید، از اين حقيقت سخن گفته است: لو اجتمعت الانس والجن علي ان يؤلفوه ذلك التآليف ما استطاعوا. [42] در روايتي ديگر، همين معنا از طريق شيعه نقل شده و آمده است که مانندش را در جمع و حفظ کسي نياورده و در اين جهت که کسي بتواند شرايط نزول را رعايت کند، کاري بي نظير بوده است. [43].

### محتوای مصحف امام علي

اگر مستند خبر مصحف امام، روايات جمع قرآن پس از رحلت پيامبر باشد، در آنها به گونه اي صريح سخن از جمع قرآن رفته و چنين عبارتهایي آمده است: **حَتَّى يَجْمَعَ الْقُرْآنَ؛ [44] لا أَخْرُجُ حَتَّى أَجْمَعَ الْقُرْآنَ؛ [45] ففرغ الي كتاب الله و أخذ يجمعه في مصحف؛ [46] المصحف الذي جمعه امير المؤمنين. [47]** بنا بر اين، روشن مي شود که سخن از کاري در زمينه قرآن بوده است و هر چند در آن روزگار، اصطلاح «مصحف» براي غير قرآن به کار مي رفته و يا براي موارد مشترک مي آمده، در اينجا مراد از مصحف، قرآن بوده است. مصحف فاطمه (س) قرآن نبوده و حتي در جرگه کتابهاي تفسيری نیز قرار نداشته است. بنا بر اين، نبايد مصحف امام را در ردیف مصحف فاطمه (س) قرار داد. چنانکه توضيح خواهيم داد، امامان مي کوشيدند که نشان دهند مصحف

فاطمه (س) به هیچ رو قرآن نیست تا مبادا این اشتباه به موارد دیگر راه یابد و یا نقل از مصحف فاطمه (س) به عنوان نقل از قرآن تلقی شود.

از سوی دیگر، این که محتوای مصحف، تنها قرآن است و مطالبی جز قرآن در آن نیست، مورد اتفاق مورخان و مفسران است. پیش از این، از شیخ مفید نقل کردیم که درباره مصحف حضرت گفته است: آنچه در مصحف حضرت آمده، تأویل و تفسیر معانی و مطالبی است که از کلام الله به حساب نمی آیند. <sup>[48]</sup> فیض کاشانی نیز به صراحت در مقدمه ششم تفسیر خود می نویسد: «معلوم است که حکم به تعیین ناسخ و منسوخ در آیات از قبیل تفسیر و بیان است، نه این که جزو قرآن باشد.» <sup>[49]</sup>

ابوعبدالله زنجانی (م 1319 ش) نیز درباره مصحف امام می نویسد که این مصحف، مرکب از هفت جزء و حجم آن چنان گسترده بوده که حضرت مجبور شده است برای حمل آن از شتر بهره گیرد. <sup>[50]</sup> آیت الله خویی نیز بر آن رفته است که این مصحف، مشتمل بر زیادی افزون بر قرآن بوده است، اما روشن است که این، بدان معنا نیست که افزوده ها از قرآن باشند، بلکه زیاداتی تفسیری و تأویلی بوده اند. <sup>[51]</sup>

ریشه این برداشت در خود روایات است که آشکارا باز می نمایند این مصحف، تنها قرآن نبوده است. در روایات سلیم بن قیس آمده است: فلما جمعه كله و كتبه بيده تنزيله و تأويله و التأسخ منه والمنسوخ ... <sup>[52]</sup> اگر مصحف تنها قرآن است، دیگر کتبه بیده تنزيله و تأویل معنا ندارد، و بی گمان توضیح و تفسیر آیه ها مراد بوده است تا میان تنزیل و تأویل، و ناسخ و منسوخ تفاوت گذاشته شود؛ به ویژه که در

ذیل همین خبر آمده است: حضرت اتمام حجت می‌کند که مباد روزی برسد و بگویند علی، کسی که از پیامبر این آیات را آموخته و تأویلشان را برگرفته، چرا ما را در غفلت گذاشته و ناآموخته‌ایمان را باز نگفته است. [53].

در خبری دیگر از سُلیم آمده است که حضرت خطاب به عثمان می‌گوید:  
إِنَّ كُلَّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ - جَلَّ وَ عَلا - عَلِي مُحَمَّد - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - عِنْدِي بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطِّ يَدِي وَ تَأْوِيلَ كُلِّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلِي مُحَمَّد وَ كُلِّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ أَوْ حَدٍّ أَوْ حَكْمٍ أَوْ شَيْءٍ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ الْيَوْمَ الْقِيَامَةَ مَكْتُوبٌ بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطِّ يَدِي حَتَّى أَرِشَ الْخَدَشَ؛ [54] «بی‌گمان هر آیه‌ای که خداوند بر پیامبرش (ص) نازل کرده، پیش من است به املاي او و دست خط من. و تأویل هر آیه‌ای که خدا بر پیامبرش نازل کرده و هر حلال و حرام یا حد و حکم و هر چیزی که مردم تا روز قیامت بدان نیازمندند، با املاي پیامبر خدا و خط من نوشته شده است؛ حتی جریمه خدشه‌ای که بر بدن کسی وارد کنند.»

از این خبر به خوبی می‌توان دریافت که افزون بر ذکر آیات، تأویل آن نیز در مصحف آمده است و تأویل غیر از قرآن است. همچنین، توضیح هر حلال و حرام یا بیان حدود و احکام و نیازهای امت اسلامی تا قیامت، در این مصحف مذکور بوده است. اگر منظور خود آیه‌ها و سوره‌ها باشد، وجهی برای ذکر آن‌ها نبود و تفاوتی میان این مصحف و مصحف‌های دیگر به شمار نمی‌رفت و دیگر نیازی نبود که در ذیل روایت بیاید:  
إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَسْرَ إِلَيَّ فِي مَرْضِيهِ مِفْتَاحَ أَلْفِ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلَّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ. این‌که پیامبر در هنگام رحلت، کلید هزار باب دانش را به علی می‌دهد تا آن‌ها را بنویسد، چیزی جز قرآن بوده که حضرت علی (ع) آن را آموخته و به کتابت درآورده است.

## مصحف امام علي و ديگر مصحفها

روایاتی بسیار در دست است که در زمان پیامبر و پس از آن، مصحف‌هایی فراوان، متعلق به یاران پیامبر، موجود بوده است. همچنین، از تابعین نیز هر کس می‌توانست، مجموعه‌ای از برخی آیات الهی یا همه قرآن را برای خود گرد می‌آورد؛ به گونه‌ای که تا سال‌ها بعد، مصحف شخصی - گذشته از این‌که برای انجام فرایض مذهبی و خواندن قرآن لازم بود، یا برای آموزش مسلمانان و کودکان و نومسلمانان ضروری می‌نمود - نشانه تشخیص نیز به‌شمار می‌رفت و مالکیت صحیفه برای مسلمانان گونه‌ای ارزش اجتماعی محسوب می‌شد. [55].

مصحف‌ها چنان ارزشمند بودند که گروهی کتاب‌هایی به نگارش درآوردند و مصحف‌ها را به‌صورت منطقه‌ای به معرفی گذاردند؛ مانند مصاحف شام، مصاحف حجاز و عراق، از ابن عامر (م 118 ق)، یا در پی مقایسه آن‌ها برآمدند؛ مانند کتاب اختلاف مصاحف اهل مدینه و اهل کوفه و اهل بصره، از کسای (م 189 ق)، یا مستقلانه به معرفی مصحف‌ها پرداختند؛ مانند کتاب المصاحف والهجاء، نوشته محمد بن عیسی اصفهانی (م 253 ق)، کتاب المصاحف، نوشته ابوبکر بن ابی‌داوود سجستانی (م 316 ق)، المصاحف، نوشته ابن انباری (م 327 ق)، المصاحف، نوشته ابن اشته اصفهانی (م 360 ق) و المصاحف، نوشته ابن قاصم (م 362 ق). [56].

رامیار در پژوهش خود درباره مصاحف صحابه در حیات پیامبر، از صاحبان چندین مصحف یاد می‌کند؛ از آن جمله، حمزه عموی پیامبر که پیش از شهادت، مصحفی برای خود ترتیب داده بود و ابی‌بن کعب،

ابوالدرداء، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابوزید، عبادة بن صامت و ابویوب انصاری. البته پس از زمان رسول خدا (ص) کار تدوین مصاحف و مجموعه‌های شخصی، از تدوین مصحف‌های آیات الهی رایج‌تر شد؛ و می‌توان گفت که 23 نفر از صحابه دارای مصحف بوده‌اند. [57].

### سرنوشت مصحف‌ها

پس از رحلت پیامبر، مصحف‌هایی گرد آوردند و بر اساس آن‌ها نسخه‌هایی باز نوشتند؛ تا آن‌جا که افراد برای فراهم آوردن مصحف خود، یکی از مصحف‌های صحابه را نمونه قرار می‌دادند، و همین، مایه رواج مصحف در هر شهر شد. از این‌رو، هر مصحف نشانه و ویژگی شهری را با خود داشت و بدین‌سان تا سال‌ها مصحف ابی بن کعب در دمشق، مصحف ابن مسعود در کوفه، مصحف ابوموسی در بصره و مصحف مقداد - و بنا بر روایتی معاذ - در حمص رواج داشت. [58] اما با گسترش فتوحات، ملت‌هایی مختلف به اسلام گرویدند؛ مردمی که نه زبان قرآن را می‌دانستند و نه با فرهنگ و آداب و رسوم عرب آشنا بودند. کار قرآن خواندن برای اینان دشوار بود. از سویی دیگر، قرآن میان مردم عرب بیشتر به‌گونه انتقال شفاهی و با اتکا به حافظه قرائت می‌شد و آنان کمتر از خط و کتابت سود می‌بردند. خط آن روزگار نیز، خود، مشکلی بود و کلمه‌ها از نقطه‌گذاری و اعراب بی‌بهره بودند و هر کسی نمی‌توانست از مصحف‌ها سود ببرد. در چنین شرایطی زمینه نادرست خوانی فراهم شد و بیم آن می‌رفت که لهجه‌ها و سلیقه‌ها و قرائت‌های گوناگون به اساس قرآن آسیب رسانند.

برای سامان یافتن این وضع، می‌باید گروهی از حافظان، قاریان و مصحف‌داران گرد می‌آمدند و به ثبت قرآن و یگانه ساختن مصاحف روی می‌آوردند. سرانجام، عثمان به این کار روی آورد و برای اینکه بتواند این حرکت را سامان بخشد و راه را برای یگانه‌سازی مصاحف باز کند، تصمیم گرفت مصحف‌های دیگر را گرد آورد و نابود سازد. او دستور داد همه کتیبه‌ها، نوشته‌ها، استخوان‌ها و سنگ‌های نازک سپید را، که صحابه آورده بودند و آیات قرآنی را بر آن‌ها نوشته بودند، از میان ببرند تا دیگر نزاع و اختلافی در میان نباشد و همه مسلمانان، یکپارچه، به متنی یگانه روی آورند. خلاصه آن‌که او دستور داد هر جا و نزد هر کسی مصحفی مخالف آنچه آنان گرد آورده‌اند یافته شود، نابودش سازند و مردم را به یک نسخه فرا خوانند. [59].

با این همه، هر قدر برای از میان بردن دیگر مصاحف می‌کوشیدند، دارندگان مصاحف بر مقاومت خویش می‌افزودند؛ چنان‌که تا سال‌ها پس از این ماجرا، برخی مصاحف همچنان موجود بودند، ولی اندک اندک همان‌ها نیز نابود شدند و اثری جز نام از آن‌ها باقی نماند.

### مصحف امام علی و مصحف فاطمه

چنان که گذشت، بنابر روایات، محتوای مصحف امام علی (ع) کلمات وحی الهی بوده است. نیز گذشت که در آن روزگار واژه «مصحف» را برای کتاب‌هایی دیگر نیز به کار می‌برده‌اند و تنها به نسخه‌های قرآنی مصحف نمی‌گفته‌اند. درباره مصحف فاطمه (س) نیز همین حقیقت، صادق است. بر اساس منابع گوناگونی که از کتاب یا مصحف دخت پیامبر اکرم (ص) سخن گفته‌اند، می‌توان

دریافت که حضرت پس از رحلت پیامبر این مصحف را نگاشته است. نگارش این مصحف بر اساس دریافت‌های معنوی و غیبی او و برای تسلاي خاطر و تحمل رنج گران فقدان پدر انجام گرفته است. بنابر این روایات، فاطمه (س) دریافت‌های خویش را باز می‌گفته و امیرمؤمنان آن‌ها را می‌نوشته است: فجعل امیرالمؤمنین یکتب کما سمع حتی اثبت من ذلك مصحفاً. [60].

بنابر برخی دیگر از روایات، مصحف فاطمه (س) از نظر حجم سه برابر قرآن بوده است. [61] نکته مهمی، که روایات بسیار بر آن پای فشرده‌اند، آن است که مصحف حضرت فاطمه (س) قرآن نبوده [62] و حتی در این کتاب احکام شریعت و حلال و حرام نیز مذکور نبوده است؛ تا برخی گمان کنند از این روایات بوی تحریف قرآن به مشام می‌رسد و یا مصحف فاطمه (س) کتابی است در مقابل قرآن.

مصحف حضرت، امثال و حکم و موعظه و سخنان عبرت‌آمیز و اخبار بوده است. کلینی بنابر روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که مصحف فاطمه (س)، وصیت آن بانو بوده است. [63] همچنین، در برخی اخبار آمده است که در این مصحف، اخبار و اسرار زمان آینده مذکور بوده است. [64] بنابراین، کاربرد واژه «مصحف» بر کتاب فاطمه (س) از این‌رو بوده است که هر نوشته میان دو جلد را «مصحف» می‌گفته‌اند؛ چنان‌که نوشته مرتب و منظم را «دیوان» می‌گفته‌اند و دیوان، مدون ساختن و به‌گونه کتاب در آوردن است، ولی اندک اندک، کتاب شعرا را دیوان خوانده‌اند. اصطلاح مصحف نیز چنین بوده است و به تمام نوشته‌های مدون، مصحف می‌گفته‌اند، اما بعدها تنها برای قرآن از آن سود جسته‌اند؛ تا جایی که اگر کسی واژه «مصحف» را بر زبان

می آورده، مردم قرآن را نشان می دادند. همین زمینه ای گشت تا برخی درباره مصحف فاطمه (س) به اشتباه افتند. درباب مصحف فاطمه (س) مطالب بسیار دیگری مطرح است که از حوصله این مقال بیرون است. [65].

بدینسان، تفاوتی بنیادین میان مصحف امام علی (ع) و مصحف فاطمه (س) در کار است. مصحف امام علی (ع) بر اساس متن قرآن و نسخه پیامبر سامان یافته و مصحف فاطمه (س) بر اساس دریافتهای معنوی و غیبی و الهام های دوران سخت فراق پدر. نکته دیگر آنکه، بنابر روایات شیعه، از نشانه های امامت که می توان به وسیله آن امام معصوم راستین را از دیگران باز شناخت، این است که مصحف فاطمه (س) و جعفر و جامعه نزد او است. امامان گاه در مقام احتجاج از این نشانه سود برده اند. در این گونه روایات، از مصحف فاطمه (س) بسان کتابی مستقل یاد شده است؛ مانند:

**خلفت فاطمة مصحفاً ما هو القرآن؛** [66] **عندي مصحف فاطمة ليس فيه شيء من القرآن؛** [67] **مصحف فاطمة ما فيه آية من القرآن.** [68].

## ویژگی های مصحف امام علی

آنچه در روایات درباره ویژگی های مصحف امام علی (ع) آمده، تفسیرپذیر است و جای نقد و بررسی دارد. از اینرو، در آغاز باید ویژگی ها را بر شمرد و سپس از معنا و تفسیر آن ها سخن گفت و به نتیجه بحث رسید و چهره راستین مصحف را باز شناخت.



## کتاب علي

با عنایت به اختصار مقاله حاضر، در اینجا فقط ویژگی‌های مصحف امام را، فهرستوار، می‌شماریم و توضیح در باره آن‌ها را به مجالی دیگر وامی‌گذاریم:

1. ترتیب بر حسب نزول؛
2. ذکر ناسخ و منسوخ؛
3. اشمال بر تأویل؛
4. اشمال بر تنزیل؛
5. بیان محکم و متشابه؛
6. تفصیل احکام؛
7. ذکر اسامی اهل حق و باطل؛
8. املاي پیامبر و انشاي علي.

چون در منابع حدیثی شیعه جست‌وجو کنیم، درمی‌یابیم که امامان، احادیثی را از نوشته‌ای به نام «کتاب علي» نقل کرده‌اند. آن پاك‌نهادان، ده‌ها بار در گفتار خود تعبیرهایی چنین آورده‌اند: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ؛ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ كَذَا؛ هَكَذَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ؛ ذَلِكَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ. بیشتر این روایات از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده‌اند و از دیگر امامان بسیار اندك نقل گشته‌اند. [69].

بنابر این، وجود کتاب علي (ع)، بنابر روایات متواتری که در منابع آمده‌اند، تردیدناپذیر است، اما در اینجا چند پرسش مطرح است:

اول. این کتاب از چه سخن می‌گفته است؛ آیا از مقوله تفسیر بوده یا از محتوایی حدیثی، تاریخی و یا فقهی برخوردار بوده است؟

دوم. این کتاب دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟

سوم. آیا تنها روایات شیعه از کتاب علی (ع) نام برده اند یا کتاب‌های اهل سنت نیز به آن اشاره کرده اند؟  
 چهارم. آیا مصحف امام و کتاب علی (ع) یکی بوده اند، یا مصحف بخشی از کتاب علی (ع) بوده یا به عکس، و یا هر دو وجودی مستقل داشته اند.

## ویژگی‌های کتاب امام علی

از مجموع روایات می‌توان به چند نکته راه یافت:

اول. کتاب علی (ع) تألیف بوده است و حضرت به دست خویش آن را به نگارش در آورده است. میان مقرر و کاتب تفاوت است. کاتب وظیفه دارد آنچه را کسی دیگر می‌گوید، کلمه به کلمه بنویسد و نظم و ترتیب و فصل‌بندی املا کننده را رعایت کند. مقرر، مطالب کسی دیگر را تقریر می‌کند و به نگارش درمی‌آورد، اما تنظیم، ترتیب و بسیاری از ویژگی‌های کتاب از آن نویسنده است؛ مطالب از گوینده است، اما ترکیب و تألیف و حتی برخی توضیحات، از نویسنده و مقرر است.

اینکه در روایات آمده است کتاب از آن علی و به خط علی است و خط به دست علی و با انگشتان علی است، تأکیدی است بر اینکه کار منسوب به حضرت و متعلق به وی است؛ به‌ویژه این تعبیر که امام باقر (ع) می‌فرماید: **إِنَّ عَلِيًّا كَتَبَ الْعِلْمَ كُلَّهُ**.<sup>[70]</sup> یا امام صادق (ع) می‌فرماید: **أَمَّا إِنَّكَ إِنْ رَأَيْتَ كِتَابَهُ لَعَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْ كُتُبِ الْأَوَّلِينَ**؛<sup>[71]</sup> «بی‌گمان، اگر کتاب علی را باز بینی، درمی‌یابی که این کتاب از کتاب‌های نخستین است.»

دوم. این کتاب آموخته‌های علی (ع) از پیامبر است، بلکه تقریر مطالب پیامبر است. در بیشتر روایات با صراحت تأکید

شده است که مطالب کتاب به املاي رسول الله (ص) است. [72].

سوم. بیشتر آنچه از این کتاب نقل شده است، نشان می‌دهد که موضوع کتاب، شریعت و احکام و مسائل دین بوده است؛ چنان‌که در روایات، کتاب علي (ع) این‌گونه وصف شده است: **فيها كل حلال و حرام؛ [73] فيها جميع الحلال والحرام، حتي ارش الخدش فيه؛ [74] ليس من قضية إلا و هي فيها حتي ارش الخدش. [75]** چنین تعبیرهایی نشان می‌دهند که محتوای کتاب مربوط به احکام بوده است.

با این حال، در برخی تعبیرها، عنوان، عام و کلی است. این تعبیر در ظاهر نشان می‌دهند که محتوای کتاب فراتر از احکام ظاهري شریعت بوده است. در این روایات آمده است که چیزی نیست که مردم بدان نیازمند باشند مگر این‌که در این کتاب بیان شده است، [76] اما وقتی مثال به میان می‌آید، از ارش الخدش سخن گفته می‌شود؛ یعنی دیده خدشه‌ای که به کسی وارد کرده‌اند. در این صورت، معلوم می‌شود که بحث کتاب از مقوله فقه و احکام است؛ به‌ویژه در روایت محمد بن مسلم که می‌گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم این کتاب علي (ع) چگونه است؟

**أجوامعُ هو من العلم، أم فيه تفسير كل شيء من هذه الامور التي تتكلم فيه الناس مثل الطلاق والفرائض؟ فقال: إن علياً كتب العلم كله، القضاء والفرائض؛ [77]** «آیا این کتاب جامع علوم است، یا معنای هر چیز در آن آمده است که مردم درباره اش سخن می‌گویند؛ مانند احکام طلاق و ارث؟ حضرت فرمود: بی‌گمان علي (ع) علم را به تمام و کمال نوشت؛ هم قضا و هم فرائض را.»

در این عبارتها، مثالها ناظر به احکام فقهی‌اند و از آنها نمی‌توان استفاده کرد که کتاب به علمی دیگر، مانند تاریخ و عقاید مربوط است. البته در روایت محمد بن مسلم آمده است: عندنا صحيفة من كتب

علي؛ «در پيش ما صحيفه‌اي از كتاب‌هاي علي است.» يعني علي (ع) كتاب‌هايي داشته و يكي از اين كتاب‌ها، صحيفه طلاق و فرايض بوده است. از اين‌رو، محتمل است صحيفه‌هاي ديگر حضرت، مربوط به موضوعات ديگر بوده باشد.

چهارم. از اين روايات استفاده مي‌شود كه مباحث كتاب - در احكام - جامع و مبسوط بوده است. تعبيرهاي گوناگوني وجود دارد كه در اين كتاب هر چيزي كه مردم بدان نيازمنند باشند، آمده است، يا از امام صادق (ع) رسیده است كه فرموده: «نزد ما چيزي است كه ديگر به احدي نيازمنند نيستيم.»<sup>[78]</sup> يا آمده است: «خدا حلال و حرامي نيافریده مگر اين‌كه در اين كتاب از آن سخن رفته است.»<sup>[79]</sup> حتي گاهي تعبير «جامعه» براي كتاب به كار رفته<sup>[80]</sup> كه گستردگي مطالب و حجم مباحث نوشته را مي‌رساند. همچنين است عبارتهاي ديگر كه در اين روايات آمده‌اند؛ مثل اين‌كه طول نوشته‌ها هفتاد ذراع است،<sup>[81]</sup> و يا حتي ارش خدش را در خويش دارد.

پنجم. اين كتاب، منبع علوم و احكام امامان پاك‌نهاد (ع) بوده و آن بزرگان براي پاسخ به مردم به اين كتاب مي‌نگريسته‌اند. گاه امامان پاي مي‌فشرده‌اند كه بگويند اين مطلب را از آن كتاب نقل مي‌كنيم؛ مثلاً در جايي آمده است: «در كتاب علي (ع) نوشته شده است: خدا لعنت مي‌كند كسي را كه براي غير خدا ذبح كند؛ خدا لعنت مي‌كند كسي را كه نشان راه‌ها را مي‌دزدد و خدا لعنت مي‌كند كسي را كه پدرش او را لعنت كند.»<sup>[82]</sup> از سوي ديگر، كتاب علي (ع)، نشانه امامت امامان نيز بوده است. گاه آن بزرگان بدین وسیله از دروغين بودن ادعای مدعیان امامت نیز خبر می‌داده یا اقوال آنان را رد

می‌کرده‌اند؛<sup>[83]</sup> به ویژه آن‌گاه که پس از شهادت امامی معصوم (ع)، باز شناختن امام بعدی دشوار می‌نموده است. ششم. این کتاب نوشته‌ای عمومی نبوده که دیگران بتوانند آن را استنساخ کنند یا در اختیار گیرند. حتی از برخی روایات استفاده می‌شود که مطالب کتاب از مختصات علوم اهل‌بیت (ع) بوده و از امامی به امامی دیگر دست به دست می‌شده و تنها گاهی امامان برای پدید آوردن اعتماد در مخاطب یا تأکید بر مطلب به کتاب اشاره می‌کرده‌اند و یا ویژگی‌هایی از آن را شرح می‌داده‌اند.<sup>[84]</sup>

### نسبت میان صحیفه و کتاب امام علی

پیش از آن‌که بخواهیم درباره نسبت مصحف امام با کتاب حضرت سخن گوئیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که آیا میان صحیفه و کتاب علی (ع) تفاوتی هست. در برخی روایات شیعه گاه تعبیر «صحیفه» آمده و در برخی روایات، «کتاب علی»؛ اما در روایات اهل‌سنت تنها از «صحیفه» سخن رفته است. در این باره چند احتمال مطرح است: اول. مراد از آنچه در روایات با عنوان صحیفه و جامعه آمده، همان کتاب علی (ع) است و مراد از آنچه در روایات اهل‌سنت با عنوان صحیفه آمده، نیز کتاب علی (ع) است.

دوم. کتاب علی (ع) و جامعه یک مجموعه‌اند و صحیفه چیزی دیگر است؛ زیرا درباره کتاب علی (ع) آمده است که طولش هفتاد ذراع است و وقتی پیچیده شود، به اندازه ران مردی قوی هیکل است؛<sup>[85]</sup> در حالی که در برخی روایات آمده است که صحیفه به شمشیر پیامبر پیوسته است<sup>[86]</sup> و

آنچه به شمشیر بسته و پیوسته است، باید کوچک و کم حجم باشد.

سوم. نسبت میان صحیفه و جامعه و کتاب علی (ع)، نسبت عموم و خصوص است؛ یعنی آنچه در روایات اهل سنت با عنوان صحیفه علی (ع) آمده، در حقیقت، بخشی از کتاب علی (ع) را تشکیل می‌دهد و حضرت در طول حیات خود روایات پیامبر را گرد آورده و بخش بخش و صحیفه صحیفه کرده است.

صاحبان نظریه نخست می‌گویند: بر اساس آنچه از روایات اهل سنت رسیده است، صحیفه علی (ع) موضوعاتی گوناگون را در برداشته است و از آنجا که در وصفش آمده که به املاي پیامبر و موضوعش احکام بوده است، با مشخصات کتاب علی (ع) هماهنگ است. بنابراین، گرچه راویان، به دلیلی که گذشت، همه این روایات را ضبط نکرده‌اند، شواهد و قرائن نشان می‌دهند که این دو، یکی‌اند. [87] اما صاحبان نظریه دوم می‌گویند: طول کتاب علی (ع) هفتاد ذراع و حجمش بسیار بوده و نمی‌توان آن‌ها را یکی پنداشت.

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از احتمالات، می‌توان گفت اگر مراد از صحیفه همان مُلَحَّقه شمشیر پیامبر است، صحیفه مذکور، بخشی از صحیفه و کتاب علی (ع) است؛ زیرا در روایت محمد بن عبدالملک آمده است: **عندنا والله صحیفه طولها سبعون ذراعاً.** [88] چنان‌که در روایات عبدالله بن یعفور آمده است: صحیفه **طولها سبعون ذراعاً.** [89] در حالی که این تعبیر برای جامعه نیز آمده است: **عندنا الجامعة و هي سبعون ذراعاً.** [90] در جایی دیگر آمده است: **عندنا لصحيفة يقال لها جامعة.** [91] یا در روایت فضیل بن یسار آمده است: **عندنا كتاب علي سبعون ذراعاً.** [92] و در روایت مروان آمده است: **عندنا كتاب علي سبعون ذراعاً.** [93] بنابراین، کتاب علی (ع)، جامعه و صحیفه،

یکی شمرده می‌شوند و از ویژگی‌هایی یگانه برخوردارند، و اینکه در روایات گاه واژه «کتاب» به کار رفته و گاه «جامعه» و گاه «صحیفه»، مراد کتابی یگانه بوده است؛ زیرا ویژگی‌های هر سه با یک کتاب هماهنگ است.

کتابی که بنا بر روایات، پیوست یا همراه شمشیر پیامبر بوده است، ممکن است رساله‌ای کوچک بوده باشد، اما از آنجا که ویژگی‌هایش با ویژگی‌های صحیفه حضرت همسان است، باید بخشی از کتاب بسیار مفصلی باشد که ویژه احکام و فرایض است. گواه این حقیقت، برخی روایات است: **أَقْرَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ شَيْئًا مِنْ كِتَابِ عَلِيٍّ.** [94] یا در روایت عبدالمک بن اعین آمده است: **اراني ابو جعفر بَعْضِ كُتُبِ عَلِيٍّ.** [95].

از سوی دیگر، آنچه در منابع اهل سنت نقل شده است که نزد علی (ع) جز این صحیفه در «قراب سیف» نبوده و از پیامبر به ارث نرسیده است، [96] محل تردید است؛ زیرا این دسته از روایات در برابر روایاتی قرار دارند که در منابع دیگر (اعم از شیعه و سنی) در مقام علمی امام علی (ع) و اهل بیت (ع) نقل گشته‌اند و نشان می‌دهند پیامبر و ذایع خود را به ایشان واگذارده است. [97] چنان‌که اشاره شد، فضای سنگین عهد بنی‌امیه و بنی‌عباس، زمینه چنین نظریه‌ای را تقویت می‌کند.

از برخی روایات به دست می‌آید که در عصر خود حضرت، این پرسش مطرح بوده که امام علی (ع) از پیامبر چه به ارث برده است.

عن ابي اراكه قال: **كُنَّا مَعَ عَلِيٍّ بِمَسْكِنٍ. فَحَدَّثَنَا أَنَّ عَلِيًّا وَرِثَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ السِّيفَ، وَبَعْضُ يَقُولُ: أَنَّ الْبَغْلَةَ، وَبَعْضُ يَقُولُ: وَرِثَ صَحِيفَةً فِي حِمَائِلِ السِّيفِ، إِذْ خَرَجَ عَلِيٌّ (ع) وَ - نَحْنُ فِي حَدِيثِهِ - فَقَالَ ... وَ أَيْمَ اللَّهِ إِنَّ عِنْدِي لَصُحُفٌ كَثِيرَةٌ قَطَّاعُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ إِنَّ فِيهَا لَصَحِيفَةٌ يُقَالُ لَهَا**

**العُبَيْطَةُ؛** [98] «ابو اراکه می‌گوید: همراه با علی در خانه‌ای بودیم. سخن از علی بود که از پیامبر خدا چه به ارث برده است: شمشیر یا قاطر؟ برخی گفتند: صحیفه‌ای در جلد شمشیر به ارث برده است. در این هنگام علی (ع) - در حالی که ما درباره او سخن می‌گفتیم - به جمعمان درآمد و گفت: به خدا سوگند، در پیش من صحیفه‌هایی بسیار از پیامبر خدا است که یکی از آنها درباره مرگ‌های ناگهانی [عُبَيْطَةُ] است.» بنابراین، حضرت صحیفه‌هایی چند در اختیار داشته است که مجموع آن‌ها جامعه و کتاب علی (ع) را تشکیل می‌داده است و این‌که ویژگی‌های یک یا چند صحیفه در احادیث برشمرده شده است، بدین معنا نیست که هر یک، کتابی مستقل بوده‌اند. [99].

### نسبت میان کتاب و مصحف امام علی

از آنچه درباره کتاب و مصحف علی (ع) باز نموده شد، می‌توان به تفاوت‌های آن‌ها دست یافت. بی‌گمان، کتاب علی (ع) در بردارنده احکام و مقررات فقهی بوده است و از آن‌جا که احکام را دامنه‌ای گسترده است، حجم آن کتاب بسیار بوده است؛ چنان‌که بنابر روایات، طول صحیفه هفتاد ذراع و عرض در حدود دو ذراع و قطرش به اندازه ران شتر بوده است. [100] در این دسته از روایات مطلبی که حاکی از تفسیر قرآن باشد، به چشم نمی‌آید.

از سوی دیگر، از ویژگی‌های گفته شده درباره مصحف امام علی (ع) می‌توان دریافت که محتوای کتاب، قرآن و علوم وابسته به قرآن بوده و تنها احکام صرف نبوده است؛ مانند مبحث محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و اسباب نزول و سرانجام، تفسیر و تأویل. از این‌رو، این‌که دو نوشته را یکی



بپنداریم، به ظاهر درست نمی‌نماید. تنها آنچه زمینه وحدت موضوعی این دو کتاب را تداعی می‌کند، تشابه موضوعات فقهی و برخی ویژگی‌های دیگر است؛ مثلاً در روایت سُلیم آمده است که هر حکم حلال و حرام و کیفر و حکمی - حتی دیه خراش - که مسلمانان تا روز رستاخیز بدان نیازمندند، با املاي پیامبر خدا (ص) و خطعلي (ع) نوشته شده است. <sup>[101]</sup> این تعبیر درباره کتاب علي (ع) بارها به کار رفته است. به عنوان نمونه، در روایت عبدالرحمان بن عبدالله از امام صادق (ع) نقل شده است: ما خَلَقَ اللهُ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ إِلَّا فِيهَا حَتَّى أُرْشَ الْخَدَشُ. <sup>[102]</sup> بنابراین آنچه گذشت، ویژگی‌های مشترک مصحف و کتاب عبارتند از:

- در برداشتن احکام حلال و حرام و جامعیت مصحف و کتاب در این قلمرو.  
- بیان احکام برای همه زمان‌ها و شرایط گوناگون.

- منبع و مأخذ هر دو نوشته، املاي پیامبر و خط علي (ع) است. <sup>[103]</sup>  
پس مانعی نیست که مصحف امام در همان حال که تفسیر است، احکام را نیز به گونه‌ای گسترده بیان کند. و اگر در روایات امامان، تعبیر «کتاب» و «صحیفه» به چشم می‌آید، از این باب است که در عهد صادقین (ع) اصطلاح «مصحف»، قرآن را به ذهن می‌آورده است. البته حضرت می‌توانسته است مجموعه‌ای مستقل به نگارش درآورده باشد.

نکته دیگر آن‌که کتاب علي (ع) گاه در اختیار دیگران قرار گرفته است و شماری از صحابه آن را بارها در دست امامان دیده‌اند، ولی مصحف علي (ع) را کسی ندیده است و جز از گذر توضیحاتی کلی، خبری از آن در دست نیست. مصحف امام علي (ع) پس از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به

امام سجاد (ع) و از آن حضرت به امام باقر (ع) و امام صادق (ع) رسید، ولی از زمان امام سجاد (ع) به بعد، کمتر تعبیر «مصحف» به کار رفته است؛ در حالی که آنچه در روایات شیعی از زمان امام باقر (ع) به بعد به چشم می‌آید، تعبیر «کتاب‌علی» است و همین، احتمال یگانگی دو نوشته را تقویت می‌کند.

### چگونگی نگارش مصحف امام علی

پس از اینکه آشکار شد مصحف امام علی (ع)، تنها قرآن نیست، این پرسش مطرح است که نگارش مطالب تفسیری حضرت چگونه بوده است. آیا مانند تفسیرهای روزگار ما آیات و تفسیر آنها، هر دو، در متن می‌آمده‌اند و مباحث درهم نگاشته می‌شده‌اند یا به‌گونه متن و حاشیه می‌آمده‌اند؟ شیوه کتاب‌های تفسیری همواره دو گونه است:

اول. متن آیه در بالا، و توضیح‌ها و تفسیرها در حاشیه آورده می‌شود. حجم این توضیح‌های حاشیه‌ای، بسته به اهداف، مخاطبان و شرایط علمی مفسر متفاوت است. دوم. آیه، بخش‌بخش آورده می‌شود و پس از ذکر هر بخش، توضیح و تفسیر آنها مذکور می‌آید و آن گاه نوبت بخش‌های بعدی فرامی‌رسد.

در متون کهن در این باره سخنی به میان نیامده است و از کتاب‌هایی که از آن روزگار بر جای مانده‌اند، با توجه به تحولات خط، نوشت‌افزار و دگرگونی نسخه‌ها، نمی‌توان نظریه‌ای قطعی در باب کیفیت نگارش فراچنگ آورد؛ به‌ویژه درباره مصحف امام که برخی می‌پنداشته‌اند تنها نسخه‌ای از قرآن بوده است و از این‌رو، این پرسش

در ذهن آنان مطرح نبوده که نگارش مطالب بر چه شیوه بوده است.

از سوی دیگر، از برخی گزارش‌ها می‌توان دریافت که در عصر خلفاء، شماری از صحابه و تابعین، توضیح خود را در حاشیه یا متن قرآن می‌نوشتند؛ تا آنجا که خلیفه دوم در فرمانی مشهور، نگارش تفسیر را در متن آیات قرآن ممنوع ساخت و قرظة بن کعب انصاری را مأمور کرد قرآن را از تفسیر جدا کند. <sup>[104]</sup> اشتباه برخی خاورشناسان <sup>[105]</sup>

و همچنین صاحبان مصاحف درباره قرائت ترادفی و سوء استفاده از آن برای پذیرش تحریف قرآن از این‌جا برخاسته است که پنداشته‌اند آنچه در مصاحف کسانی مانند ابن مسعود، ابی بن کعب، عایشه و حفصه و دیگران به جای کلمه‌ای، کلمه دیگر نقل شده یا در کنار آن قید توضیحی آمده است، اختلاف قرائت و ترادف کلمات قرآن بوده؛ <sup>[106]</sup> در صورتی که روشن است بسیاری از این موارد نه از باب اختلاف قرائت یا بر نهادن کلمه‌ای بر جای کلمه‌ای دیگر است، بلکه توضیح و تفسیر صاحبان مصاحف است و هیچ ارتباطی با تحریف ندارد.

تنها کسی که در این میان به این موضوع پرداخته و کیفیت نگارش مصحف امام را به پژوهش نهاده است، محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م 548 ق) نویسنده کتاب الملل والنحل است. او در مقدمه تفسیر خویش به این مصحف اشاره می‌کند و می‌گوید: «برخی گفته‌اند مصحف امام علی، متن و حاشیه داشته است و قرآن در متن بوده و تفسیرها در عرض و حواشی.» <sup>[107]</sup> شهرستانی با تعبیر «قیل» از نظریه یادشده سخن می‌گوید و منبع آن را نام نمی‌برد، اما این گفته با حساسیت حضرت برای نیامیختن متن و تفسیر و تجربه‌ای که بعدها برای

خلیفه دوم پیش آمد، سازگار می‌نماید؛ به‌ویژه آن‌که این روش رواج یافت و تا سال‌ها برجای ماند.

شاید این‌که برخی پنداشته‌اند مصحف امام علی (ع)، تنها قرآن بوده است، از این‌جا ناشی شده است که اصل و متن عبارت از قرآن بوده است؛ چنان‌که در روزگار ما اگر قرآنی با حاشیه چاپ شود، باز آن را «قرآن» می‌شماریم. به همین دلیل، شهرستانی پس از گفتاری مفصل درباره رویدادهای پس از پیامبر و این‌که چگونه مصحف علی (ع) را نپذیرفتند، گلایه می‌کند که چرا آن را به شایسته‌ترین کسی که می‌توانست قرآن را گرد آورد، نسپردند و به نوشته‌اش بها ندادند. او در پایان می‌نویسد: «با این همه، نقل نشده است که حضرت علی (ع) گردآوری دیگران را رد کرده و نپذیرفته باشد.» [108].

همچنین، در نسخه کرمانی— شواهدالتنزیل، نوشته حسانی (م قرن پنجم ق)، از ابن سیرین (م 110 ق) نکته‌ای نقل شده است که گوشه‌ای دیگر از چگونگی نگارش مصحف امام را روشن می‌سازد: «من خبردار شدم که حضرت، در پی قرآن، ناسخ و منسوخ را می‌نوشته است.» [109] تعبیر «فی اثره»، شاید گفتار شهرستانی را تقویت کند که مصحف امام دارای حواشی و تعلیقاتی بوده و این‌گونه نبوده است که در متن قرآن، افزوده‌های تفسیری و تاریخی جای گیرند.

## مدت گردآوری مصحف امام علی

از پرسش‌هایی که درباره مصحف امام مطرح است مدت گردآوری یا تألیف آن است. این پرسش از آنجا مطرح شده است که گزارش‌ها دگرگونند، به‌گونه‌ای که حتی اصل موضوع را نیز خدشه‌دار کرده است؛ مثلاً در برخی گزارش‌ها مدت گردآوری سه روز و در برخی شش یا هفت روز و در برخی شش ماه آمده است.

اکنون پیش از بررسی لازم است به پرسشی دیگر بپردازیم. پرسش این است که اگر مصحف به املاي پیامبر و کتابت حضرت علی (ع) است، باید نگارشش در زمان خود پیامبر انجام گرفته باشد؛ در صورتی که بحث تألیف و جمع، درباره روزگار پس از پیامبر است؛ به‌ویژه آن‌که از برخی روایات دریافته می‌شود که کتاب در همان روزگار نزول قرآن سامان یافته و به تعلیم پیامبر بوده است؛ مثلاً در روایت کمال‌الدین، نوشته شیخ صدوق، آمده است: **مَا نَزَلَتْ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِحَطِّي وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا.** [110].

از جمله «فکتبتها بخطي»، که با فاء عاطفه آمده است، استفاده می‌شود که هر گاه آیه‌ای نازل می‌شده، پیامبر آن را بر حضرت علی (ع) می‌خوانده و آن حضرت بی‌درنگ آیه را برمی‌نوشته و تأویل و تفسیرش را از پیامبر می‌آموخته است. ولی در ذیل روایت، عبارتی است که معنایی دیگر به ذهن می‌رساند: **فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنَ كِتَابِ اللَّهِ وَ لَا عَلِمْتُ أَمْلَاهُ عَلَيَّ.** زیرا وقتی امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای از کتاب و علمی را که رسول‌خدا بر من املا کرد، فراموش نکردم»، بدین معنا است که نوشتن در همان زمان املا انجام نگرفته؛ و اگر جز این بود، سخن از

فراموش نکردن و مانند آن به میان نمی‌آمد.

## همکاران امام علی در کار گردآوری

آیا علی (ع) در کار گردآوری تنها بوده است، یا دستیارانی داشته و اگر دستیارانی داشته به چه کاری از مصحف مشغول بوده اند؟

از ظاهر بیشتر روایات چنین برمی‌آید که کار گردآوری مصحف، ویژه علی (ع) بوده است. او به دلیل ویژگی علمی و ارتباطی که با سرچشمه وحی داشته و نیز به این دلیل که مصحف پیامبر را نزد خویش داشته است، برای گردآوری و تألیف قرآن بی‌همتای بوده است. بنابراین، نیاز به همکاری کسی برای نوشتن محتوا و یا گردآوری مطالب مطرح نبوده است؛ ولی در برخی گزارشها آمده است که برخی کسان با حضرت همکاری داشته‌اند. شاید این همکاری، کاری همچون آماده کردن و مرتب ساختن دست‌نوشته‌ها بوده است و شاید ادعای برخی کسان به همکاری، برای فرار از بیعت با خلیفه و پناه آوردن به خانه علی (ع) بوده است. به یکی از این گزارشها، که ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری (م حدود 300 ق) نقل کرده است، بسنده می‌کنیم. سعد بن ابی‌وقاص با مقداد بن اسود در خانه فاطمه گردآمده بودند که مأموران عمر به خانه یورش بردند. عمر فریاد زد: «بیرون آید وگرنه خانه را آتش می‌زنم!» در این هنگام، زبیر با شمشیر آخته بیرون آمد و فاطمه به گونه‌ای دیگر، و گفتند: «ما در خانه به گناه مشغول نیستیم؛ گردآمده ایم و قرآن را در مصحفی یگانه بازمی‌نویسیم.»<sup>[111]</sup>

به هر سان، بعید نیست که حضرت برای سامان دادن و هماهنگ کردن نوشته‌ها - نه نوشتن محتوا - از همکاری کسانی سود برده باشد؛ به‌ویژه آن‌که برخی روایات مدت گردآوری را سه یا شش روز دانسته‌اند.

### سرنوشت مصحف امام علی

بی‌گمان، رویدادهای عهد بنی‌امیه و بنی‌عباس و فشارهایی که بر خاندان علوی وارد می‌ساختند، از ناگوارترین رویدادهای تاریخ اسلام است. این، به تنهایی می‌تواند دلیلی برای پنهان ماندن مصحف امام باشد. اما امام علی (ع)، خود نیز مدتی حکومت را در دست داشت و می‌توانست مصحف خویش را مطرح سازد تا مردم از آن، نسخه بردارند و استفاده کنند. با این حال، گزارشی از این‌که حضرت در دوران خلافت، مصحف را به مردم نشان داده است، در دست نیست، بلکه اخباری دیگر در دسترس است که حضرت دستور داده است به همان مصحف عثمانی بسنده کنند.<sup>[112]</sup> حتی بنابر روایت سُلیم، امام علی (ع) به طلحه می‌گوید: «اگر به قرآنی که گرد آورده‌اند، تن در دهید، از آتش می‌رهید و به بهشت درمی‌آید.»<sup>[113]</sup>

آیا پس از شهادت امام علی (ع) و سپری شدن دوران بنی‌امیه و بهبود وضع علویان، امامان نمی‌توانستند مصحف علی (ع) را آشکار کنند و در دسترس مردم قرار دهند و دستکم، بخشی از آن را برای استنساخ در اختیار دیگران قرار دهند؟

چنان‌که گذشت، مصحف امام تنها کلام الهی نبوده تا فقدانش به هدف راستین نزول قرآن آسیب رساند و کوشش‌های پیامبر گرامی (ص) را بر باد دهد و نابودی دین را در پی آورد. آنچه حضرت نوشته بود، افزون بر قرآن، عبارت از تأویل‌ها، تفسیرها، بیان

شأن نزولها، ناسخها و منسوخها بود. حضرت می‌دانست اگر در دوران خلافت مصحف را در اختیار دیگران قرار دهد، چه بسا در آن تصرف کنند و به خواست خود تغییرش دهند؛ چنان‌که بسیاری از روایات پیامبر را چنین کردند. <sup>[114]</sup> وانگهی، بیم آن می‌رفت که پس از شهادت امام، در اختیار داشتن مصحف برای اصحاب مایه گرفتاری شود. حضرت با دوران‌دیشی برنامه پس از رحلت خویش را تنظیم کرده و فرمان داده بود او را مخفیانه دفن کنند و جای قبرش را آشکار نسازند <sup>[115]</sup> تا دشمنان نتوانند به کاری ناشایست دست زنند. بی‌گمان، نوشته‌ها و آثار معنوی و علمی امام با خطری بیشتر روبه‌رو بودند و پنهان ساختن آن‌ها، راهی کارساز برای رویارویی با خطر به شمار می‌رفت.

نکته دیگر آن‌که دشمنان علی (ع)، تنها از گذر بر ساختن فضیلت و منقبت برای دشمنان، بسا آن حضرت به ستیز برنمی‌خاستند، بلکه گاه سخنانش را تحریف می‌کردند و بدین وسیله هدف خویش را پی می‌جستند. ابراهیم بن ابی محمود می‌گوید: به حضرت امام رضا (ع) گفتم: ما اخباری در فضایل امیرمؤمنان و شما از دشمنان می‌شنویم که از شما نمی‌شنویم. آیا این اخبار را بپذیریم؟ فرمود: «ای پسر ابی محمود، دشمنان، اخباری را در فضایل ما بر ساخته‌اند که بر سه دسته‌اند: اخباری که گزاف و زیاده‌گویی است؛ اخباری که از سر کوتاهی در حق ما است و اخباری که مشتمل بر تصریح به طعن و مذمت دشمنان ما است.» <sup>[116]</sup>

از این روایت به خوبی در می‌یابیم که دشمنان، بسیار پیچیده عمل می‌کرده‌اند؛ گاه اخباری را به ظاهر برای بیان فضیلت‌های امامان برمی‌ساخته‌اند، ولی در



حقیقت می‌خواسته‌اند جایگاهشان را در پیش مردم فرو آورند و باور عمومی را تغییر دهند. درباره ابوالخطاب محمد بن ابی‌زینب نقل است که کتاب‌های اصحاب امام صادق (ع) را می‌گرفت تا رونویسی کند. آن‌گاه اخباری برمی‌ساخت و به کتاب راه می‌داد و نسخه‌هایی چند تکثیر می‌کرد و میان مردم منتشر می‌ساخت. [117].

برخی روایات حاکی از آنند که امام علی (ع) گفته است که مردمان، تنها با حضور امام معصوم می‌توانند از کتاب او بهره‌برند: «چونان که قرآن از عترت جدایی ناپذیر است، از مصحف من نیز تنها با حضور عترت می‌توانند سود برند.» [118] از اینجا می‌توان به راز اصرار اهل‌بیت (ع) بر حفظ اسرار و آثار و دستور به تقیه و مواظبت بر نقل روایات پی‌برد. چنان‌که امامان هر آن احتمال می‌دادند که مأموران حکومت به خانه آنان یورش برده و نوشته‌های خود و پدرانشان را تاراج کنند، ناچار می‌گشتند از خانه دیگران برای پنهان‌ساختن نوشته‌ها سود جست‌ه یا آن‌ها را در زمین دفن کنند.

ابی‌الصباح کنانی می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: از پیامبر در حق امام علی (ع) رسیده است: انت اخی و صاحبی و صفیّی و وصیّی و خالصی من اهل بیّتی و خلیفتی فی امتی. فرمود: «آری، چنین روایتی هست و هذا مکتوبٌ عندي فی کتابِ عَلِيٍّ. اما این کتاب را از ترس مأموران دفن کرده‌ام.» [119] همچنین معلی بن خنیس از امام صادق (ع) نقل می‌کند که کتاب‌های امام علی (ع) در پیش خود آن حضرت در مدینه بوده و هنگام هجرت به عراق آن‌ها را پیش ام سلمه به امانت گذاشته است. [120].

مشابه این تعبیرات درباره ائمه دیگر، به‌ویژه حسنین (ع)، بسیار رسیده است؛ مثلاً درباره این دو آمده که آنان برای حفظ میراث پیامبر این نوشته‌ها را در اختیار ام‌سلمه قرار دادند. <sup>[121]</sup> این نگرانی میان اصحاب و یاران حضرت نیز بوده است و آنان همواره بیم داشته‌اند که روزی دچار عقوبت دشمنان اهل‌بیت (ع) شوند. نمونه‌ای از آنان، رُشید هجری است که دست و پای و زبانش را به دلیل هواخواهی از علی (ع) می‌برند <sup>[122]</sup> و نیز میثم تمار که به‌گونه‌ای بسیار فجیع به قتل می‌رسد. <sup>[123]</sup> نیز نقل است که کمیل بن زیاد را حجاج می‌کشد <sup>[124]</sup> و حجر بن عدی کندي (م 51 ق) به دستور معاویه، در مرج عذراء، با شماری از شیعیان علی (ع) کشته می‌شود <sup>[125]</sup> و افرادی دیگر شکنجه می‌شوند یا به قتل می‌رسند. نگاه به زندگی و رنج‌های چنین کسانی به ما نشان می‌دهد که شرایط روزگار پس از امام علی (ع) چقدر دشوار بوده و یاران و هواخواهان حضرت چقدر در فشار و رنج بوده‌اند و نمی‌توانسته‌اند از امام خویش به راحتی حدیث و روایت نقل کنند.

فشارها و حساسیت‌ها برای اصحاب دیگر امامان نیز ادامه یافت و آنان نیز همواره در هراس بودند. در تاریخ آمده است که در اثر چنین وضعیتی، آثار و روایات بسیاری از امامان و صحابه آنان از دست رفته است. درباره محمد بن ابی‌عمیر نقل است که چون او را گرفتند و به زندان انداختند، خواهرش از ترس اینکه مبادا روایات امامان و نام راویان به دست مأموران افتد، آن‌ها را در زمین دفن کرد و در نتیجه، نوشته‌های بسیاری از او نابود شدند و تنها چهل جلد از آن‌ها بر جای ماند. <sup>[126]</sup>

چنان‌که گذشت، مصحف امام علي (ع) در آغاز روزگار خلافت، با بي‌اعتنايي روبه‌رو شد. خلافت امام علي (ع) نيز همواره در معرض طوفان فتنه‌ها و جنگ‌ها بود و از اين‌رو، آثار مکتوب حضرت، زمينه عرضه و استفاده عمومي نيافتند. پس از شهادت امام، اين وضعيت سخت و سخت‌تر شد و بني‌اميه، علويان را در تنگنا و سختي انداختند. پنهان ماندن مصحف امام را بايد معلول شرايط اجتماعي و سياسي آن روزگار دانست که امام و فرزندانش نتوانستند مصحف را براي بهره‌برداري به ديگران بسپارند. البته حضرت داراي برخي نوشته‌هاي ديگر نيز بوده که نمي‌خواستند است آن‌ها را در دسترس ديگر مردم بگذارند. در اين نوشته‌ها، آن دسته از اسرار علوم آمده بود که ويژه امامان است. اما بي‌گمان، مصحف امام از چنين نوشته‌هايي نبوده است.

امام علي (ع) و ديگر امامان اهل‌بيت (ع) به جاي اين‌که متن مصحف را به اصحاب واگذارند، به نقل احاديث مصحف و کتاب علي (ع) همت گماردند و رواياتي را مناسب با پرسش‌هاي اصحاب يا در ضمن بيان احکام و تفسير آيات و شأن نزول آن‌ها نقل مي‌کردند. [127] اما متن کامل اين کتاب چه شده و در اختيار چه کسي است؟ از برخي روايات دريافته مي‌شود که اصل کتاب در اختيار امامان بوده و دست به دست مي‌گشته تا به حضرت ولي عصر (عج) رسیده و هم اکنون در دست او است. [128].

## در جستجوی مصحف امام علي

با اینکه به علت‌هایی که گذشت، مصحف امام علي (ع) از دسترس پنهان شد، یاران و علاقه‌مندان آن امام همام (ع) همواره در پی آن بودند. ابن سیرین در این باره می‌گوید: «در جستجوی کتاب برآمدم و نامه‌ای به مدینه نوشتم و از دیگران برای یافتنش یاری خواستم، اما به آن دست نیافتم.»<sup>[129]</sup> ابن ندیم می‌گوید: «مصحف نزد آل جعفر بود و آن را نزد ابویعلی حمزه حسنی دیدم که پاره‌ای از صفحه‌هایش از میان رفته بود و به خط امام بود.»<sup>[130]</sup>

رامیار بر آن است که چون ابن ندیم الفهرست را حدود 377 ق تألیف کرده است، آشکار می‌شود که نسخه‌ای از مصحف تا اواخر قرن چهارم نزد بنی‌حسن بوده است.<sup>[131]</sup> اما معلوم نیست تشخیص ابن ندیم و آل حسن در این باره که خط از آن امیرمؤمنان (ع) و نوشته یادشده همان مصحف بوده، درست باشد. چه بسا مصاحفی که منسوب به امام است، ولی در صحت این انتساب تردیدهای بسیار موجود است.<sup>[132]</sup>

## مصحف‌های منسوب به امام علي

در برخی کتابخانه‌ها و موزه‌ها مصحف‌هایی به چشم می‌آیند که برخی می‌گویند نویسنده آن‌ها امام علي (ع) است و یا در حاشیه آن‌ها آمده است که به خط علي بن ابیطالب است. چنین انتساب‌هایی ویژه امام نیست، بلکه درباره دیگران - از امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) گرفته تا خلفای راشدین - نقل شده‌اند. مثلاً ابن بطوطه (م 779 ق) در رحله خویش در گزارشی از سفر

بصره می‌نویسد: «در مسجد علی، مصحفی دیدم که عثمان هنگام کشته شدن قرائت می‌کرده و آثار خون در صفحه‌ای از آن یافت می‌شد و بر آیه **فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**،<sup>[133]</sup> خون چکیده بود.»<sup>[134]</sup> جالب این است که ابن جزری (م 833 ق) و ابن فضل‌الله عمری، همین داستان را در مورد مصحف شامی نقل می‌کنند. ابن جزری مصحفی در مصر دیده است که عثمان مشغول خواندن آیه بالا از آن بوده و در این حال کشته شده و خورش به صفحه ریخته است.<sup>[135]</sup> در خزائن الآثار مسجد حسینی قاهره نیز مصحفی هست معروف به مصحف عثمانی که می‌گویند از مصاحف امام (گردآوری عهد عثمان) است. اما زرقانی در صحت این ادعا تردید می‌کند و آن را از نظر فنی درست نمی‌داند و می‌گوید: «تزیینات هنری و علامات و تقسیم‌بندی سوره‌ها و آیه‌ها (که بعدها پس از عهد حجاج، رفته رفته، پای گرفته‌اند) با ویژگی‌های مصحف عثمانی سازگار نیستند؛ زیرا مصاحف عثمانی دارای این علامتها نبوده‌اند.»<sup>[136]</sup>

همچنین، زرقانی از مصحفی از امام علی (ع) در این خزانه یاد می‌کند که بر آن نوشته شده است: «کتبه بخطه»؛ آنگاه توضیح می‌دهد: «خط این مصحف از نوع خط کوفی قدیم است؛ با این تفاوت که نسخه از نظر حجم، از نسخه مصحف عثمانی کوچکتر است و جاهای خالی‌اش کمتر و رسمش موافق با رسم الخط غیر مدنی و غیر شامی. از این‌رو، محتمل است به خط امام علی (ع) باشد یا در کوفه دستور به کتابتش داده باشد.»<sup>[137]</sup>

از این نقل‌ها درباره مصاحف، بسیار است.<sup>[138]</sup> برای این‌که از حجم مصحف‌های منسوب به امام علی (ع) آگاه شویم،

نمونه‌ای از گزارش‌ها را از نظر می‌گذرانیم و سپس آن‌ها را به نقد و ارزیابی می‌نهییم.

1. از آنچه ابن ندیم گفته است، می‌توان دریافت که او دو گونه مصحف دیده است: مصحفی که حضرت آن را گردآورده و در نزد آل جعفر است (و البته آن را ندیده)؛ و مصحفی که شماری از صفحه‌هایش به مرور زمان از میان رفته و نزد ابویعلی حمزه حسنی بوده است. حتی ابن ندیم خبر می‌دهد که این نسخه به خط علی بن ابیطالب بوده است. [139].

2. مقریزی خبر می‌دهد که در سال 516 ق، مأمون بطائحي، وزیر فاطمی، مصحفی را در جامعه مصری زرانمود کرده است که گفته‌اند به خط علی (ع) بوده است. [140].

3. جمال الدین داوودی (م 828 ق)، از مصحف‌هایی چند خبر می‌دهد که به خط علی (ع) بوده است. [141].

4. در موزه آستان قدس رضوی، مصحفی منسوب به امام علی (ع) است (قرآن شماره 6)، که از آغاز سوره هود تا آخر سوره کهف و به خط کوفی است و بر پوست آهو نوشته شده است. در پایانش نوشته شده است: «کتبه علی بن ابیطالب فی سنة اربعین.» این قرآن را شاه عباس صفوی وقف کرده و مهم‌تر آن‌که شیخ بهایی در جمادی الاول 1008 تأیید کرده است که خط، از سید الاوصیاء، حجة الله علی اهل الارض والسماء است. [142].

## شبهه‌ها و اشکال‌ها

درباره مصحف امام شبهه‌ها و اشکال‌هایی مطرح است. برخی از شبهه‌های روایی مربوط به بحث را در مبحث اثبات وجود مصحف امام و ویژگی‌های آن باز گفتیم و بدان‌ها پاسخ دادیم، اما برخی شبهه‌ها از گونه تاریخی و کلامی‌اند که اینک به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

1. وقتی مصحف در روزگار ما نایاب است و در دسترس نیست، چه سودی دارد که درباره اش سخن گوئیم؟ هدف پژوهش‌گران مسائل تاریخی، کشف مجهولات تاریخ و افزودن بر آگاهی‌های تاریخی است و پژوهش و تفحص درباره مصحف امام، بر آگاهی‌های تاریخی و فرهنگی ما می‌افزاید و به روشن شدن دسته‌ای از مسائل تاریخی - مانند سیر کتابت در جهان اسلام و آغاز تدوین تفسیر - کمک می‌کند؛ به‌ویژه اگر درباره کتابی تحقیق کنیم که مربوط به امام علی (ع) است و درباره اش نظریه‌هایی گوناگون باز گفته باشند و حقیقت در پرده‌ای از ابهام و تاریکی جای گرفته باشد.

ارزشمندترین سود پژوهش درباره مصحف امام، روشن شدن زوایای تاریخ جمع قرآن است؛ این‌که گردآوری قرآن در روزگار پیامبر بوده یا پس از آن، نخستین گردآورنده که بوده و چه انگیزه‌ای داشته است و حضرت علی (ع) در این باره چه کرده است و در برابر، خلفا با چه انگیزه‌ای به جمع قرآن پرداخته‌اند. دیگر آن‌که مصحف امام علی (ع) منشأ پرسش‌هایی درباره مصحف عثمانی شده است و چنان‌که توضیح خواهیم

داد، برخی کسان بر شیعه تاخته اند و گفته اند: شیعیان معتقدند قرآن تحریف شده است؛ زیرا به مصحفی جز مصحف کنونی ایمان دارند. روشن شدن موضوع مصحف امام علی (ع) به رفع این شبهه ها کمک می کند و موضع اهل بیت (ع) را درباره قرآن آشکار می سازد.

2. گزارش هایی درباره مصحف در دست است که با نقل متواتر قرآن ناسازگارند؛ به ویژه اخباری که گونه ای اختلاف در مضمون قرائت ها را مطرح می سازند. با توضیحاتی که درباره مصحف امام به دست دادیم، منافاتی میان مصحف امام و تواتر قرآن برجای نمی ماند. درست است که اخبار مصحف امام از نظر سندی دارای جایگاه استواری همچون نقل قرآن نیستند، اما چون منابع گوناگون و تعبیرهایی مختلف از آن گزارش داده اند، گونه ای اطمینان به صحت و واقعیت گزارش ها حاصل می گردد.

آنچه در باب اختلاف قرائت ها نقل شده است - بر فرض صحت منقولات - با تواتر قرآن ناسازگار نیست؛ زیرا اصل قرآن قطعی است، اما قرائت های قرآن متواتر نیستند [143] و از این رو، اگر در روایتی، قرائتی بر خلاف قرائت رایج مطرح گردد، تنها قرائتی خواهد بود در کنار دیگر قرائت ها. آن گاه که در باب کلمات قرآن از هفت تا چهارده قرائت نقل شده است و هیچ یک از معصوم به تواتر نرسیده است، چگونه می توان نقل خبری درباره یکی از قرائت ها را مخالف قرآن دانست؟ از سوی دیگر، آنچه از مجموع منقولات تردیدناپذیر شمرده شده است، اصل وجود مصحف امام علی (ع) است؛ اما کم و کیف آن باید بر معیار قبول خبر ارزیابی شود. بدین رو، به صرف نقل خبری



درباره قرائتی، نمی‌توان از قرائت مشهور دست کشید.

3. برخی اخبار مصحف حکایت از تحریف قرآن دارند و چون شیعه و سنی بر مصونیت قرآن از تحریف یگانه‌اند، باید در وجود مصحف تردید کرد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین شبهه‌ای که درباره مصحف امام مطرح است، همین باشد. این شبهه دو سویه دارد:

1. شماری از محدثان قائل به تحریف، با پذیرفتن برخی روایات ناظر به مصحف امام، قائل به تحریف شده‌اند. میرزای نوری در کتاب فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب، دلیل چهارم بر تحریف را وجود قرآن امیرمؤمنان دانسته و گفته است: «این قرآن، هم از نظر ترتیب با مصحف کنونی تفاوت دارد و هم در آن مطالبی است که از احادیث قدسیه محسوب نمی‌شود.» [144] در دلیل یازدهم نیز روایاتی را می‌آورد که بنابر مفاد آنها، مصحف امام تفاوت کمی با مصحف موجود دارد؛ از آن جمله می‌گوید: «در کتاب سلیم بن قیس آمده که در مصحف علی (ع) هجده هزار آیه است.» [145] یا «در خبر سالم بن ابی‌سالمه آمده است که هنگامی که قائم ما قیام کند، مصحفی را که علی (ع) نوشته درخواهد آورد که قرائتش با قرائت این مصحف تفاوت دارد.» [146].

2. این شبهه از سوی کسانی است که به داعیان و راویان مدعی چنین مصحفی حمله کرده و این فکر را از سوی سبئیه دانسته و گفته‌اند: «ریشه پیدایش اندیشه مصحف امام علی (ع)، توسط سبئیه (گروه عبدالله بن سبأ)؛ یعنی کسانی که به الوهیت علی (ع) قائل بوده‌اند، مطرح شده است.» [147] جالب این است که مسئله وجود مصحف را با بحث نخستین گردآورنده قرآن پیوند زده و

گفته اند: «نخستین کسی که این موضوع را در کتابش مطرح کرده، سلیم بن قیس است.» [148]

اکنون در چند بند به شبهه پاسخ می‌دهیم و نادرستی‌اش را آشکار می‌کنیم:

خبری که محمد صالح مازندرانی از کتاب سلیم بن قیس نقل کرده است، به هیچ وجه در نسخه‌های تصحیح شده این کتاب موجود نیست. [149] حتی در نسخه بدل‌ها نیز چنین عبارتی دیده نمی‌شود. معلوم نیست که مازندرانی این خبر را از کجا نقل کرده است که در مصحف امام علی (ع) هجده هزار آیه است. از این گذشته، مشهور است که کتاب سلیم را نسخه‌هایی گوناگون است. آقا بزرگ تهرانی از نسخه‌های گوناگون و متفاوتی از این کتاب یاد می‌کند. [150]

بدین‌رو، با این اختلاف نسخه‌ها و دست‌بردن‌های بسیار در نسخه و شبهه‌هایی که درباره این کتاب مطرح است، استناد به چنین روایتی هرگز پذیرفتنی نیست. [151]

البته در اصول کافی، روایتی دیگر از هشام بن سالم (در برخی نسخه‌ها از هارون بن مسلم) آمده است که به روایت پیش‌گفته می‌نماید؛ با این تفاوت که می‌گوید: «قرآنی که جبرائیل بر پیامبر نازل کرده است، هفده هزار آیه داشته است.» [152] ممکن است روایت کلینی با روایت سلیم خلط شده باشد. اما این روایت، که به ظاهر از نظر سند، صحیح است و همه رجالش مورد وثوق است، از چند جهت مورد مناقشه و ناپذیرفتنی است:

اول. کلینی از طبقه نهم است و علی بن حکم، راوی کلینی، از طبقه ششم. کلینی نمی‌تواند بی‌واسطه از او روایت نقل کند. پس باید در این میان کسانی باشند که در طریق افتاده‌اند و چون معلوم نیست طریق

کلینی به علی بن حکم کیانند، سند حدیث  
مورد خدشه جدی است. [153].

دوم. علی بن حکم نابینا بوده و از  
کسانی بسیار حدیث شنیده و به حافظه  
سپرده و از دیگران خواسته در دفترش  
بنویسند. مطمئن نیستیم که هر آنچه او  
شنیده است، به کتابش راه یافته باشد؛  
زیرا در عهد امام صادق (ع) کسانی مانند  
سعید بن مغیره و ابوالخطاب نسخه‌نویسی  
می‌کردند و مطالبی را به نام امام باقر  
(ع) و امام صادق (ع) برمی‌ساختند. بسیار  
محتمل است این خبرسازان دروغ‌نویس، نسخه  
علی بن حکم را به دلخواه تغییر داده  
باشند. از این موارد در تاریخ فراوان  
دیده شده است؛ مثلاً یونس بن عبدالرحمان  
آنچه را از کتاب‌های اصحاب امام صادق (ع)  
رونویسی کرده بود، با دل‌نگرانی به امام  
رضا (ع) عرضه می‌کند و آن حضرت حدیث‌های  
جعلی را مشخص می‌سازد و نشان می‌دهد. [154].

آنچه مرحوم کلینی نقل کرده است، بسان  
روایتی است که عامه از ابی بن کعب نقل  
کرده‌اند که «سوره احزاب که اینک 73 آیه  
است، در حقیقت، به اندازه سوره بقره  
[یعنی 286 آیه] بوده است.» [155] همچنین از  
عبدالله بن عمر نقل کرده‌اند که «هیچ کس  
نباید بگوید: من همه قرآن را آموخته‌ام؛  
زیرا کسی از قرآن خبر ندارد. بخشی بسیار  
از قرآن از میان رفته است.» [156]  
روایاتی دیگر نیز از طرق عامه نقل  
شده‌اند که جایگاه رفیع این کتاب آسمانی  
را فرو می‌آورند و آن را کتابی تحریف شده  
معرفی می‌کنند که البته دارای ارزش  
تاریخی و علمی نیستند. [157].

سوم. در برخی نسخه‌های الکافی، عدد  
«عشر» نیامده است؛ (یعنی سبعة عشر آلف)،  
و بدین‌سان، شمار آیات قرآن هفت هزار

(سبعة آلاف) می‌شود. تعبیر تخمینی آیات قرآن از 6236 آیه به هفت هزار غیر طبیعی نیست؛<sup>[158]</sup> زیرا معمول است که به‌جای عدد شکسته از عدد سر راست سود برند.

چهارم. در روایت الکافی نیامده است که شمار آیات در مصحف امام این مقدار بوده است تا بتوان بر مصحف خرده گرفت. آنچه میرزای نوری، به نقل از مازندرانی، از کتاب سلیم نقل کرده است، ناظر به مصحف امام علی (ع) است که گفتیم چنین عبارتی در کتاب سلیم نیست و کتاب الکافی، ناظر به کتاب امام نیست.

پنجم. محقق کتاب الکافی در پانوشت درباره حدیث یادشده گفته است که شاید اختلاف در شمار آیات از ناحیه چگونگی تقسیم‌بندی آیات است نه اینکه قرآن کم و زیاد شده باشد.<sup>[159]</sup>

ششم. هیچ‌یک از اصحاب، در عمل، به این روایات توجه نکرده‌اند و آن‌ها را به عنوان اخبار شاذ و نادر یاد کرده‌اند.<sup>[160]</sup>

پاورقی

- [1] فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج 3، ص 120.
- [2] جوهری، صحاح اللغه، ج 4، ص 138.
- [3] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج 2، ص 863 و 665 و 656 و 625 و 581.
- [4] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج 2، ص 50.
- [5] صدوق، التوحید، ص 73.
- [6] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج 1، ص 128.
- [7] ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 2، ص 420.
- [8] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص 36.
- [9] ر.ک: سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج 1، ص 204.
- [10] ابن ندیم، الفهرست، ص 30.
- [11] کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، ج 10، ص 59.
- [12] ابن حجر، فتح الباری، ج 9، ص 13.
- [13] سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج 1، ص 204.

- [14] ابن زريس، فضائل القرآن، ص 35 و 22 و 21؛ ابن عساكر، تاريخ مدينة دمشق (ترجمة الامام علي)، ص 28.
- [15] شهيد ثاني «مضطرب الحديث» را با «لين الحديث» يكي گرفتته، مي نويسد: «اي يتساهل في روايته عن غير الثقة.» ر.ك: شهيد ثاني، الرعاية في علم الدرايه، ص 209.
- [16] يعقوبي، احمد بن ابي يعقوب، تاريخ يعقوبي، ترجمه ابراهيم آيتي، ج 2، ص 15.
- [17] مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشيخ المفيد، ج 4 (اوائل المقالات)، ص 81.
- [18] مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشيخ المفيد، ج 1، ص 79؛ عياشي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، ج 1، ص 89، ح 46. گويامفاد حديث اين باشد كه ترتيب آيات بر اساس نزول، مطلب را روشن مي كند؛ هر چند نام اشخاص برده نشده باشد.
- [19] شهرستاني، عبدالكريم، مفاتيح الاسرار و مصابيح الانوار، ج 1، ص 120. البته به چنين مطلبي در تفسير القرآن العظيم دست نيافتم.
- [20] ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 27.
- [21] ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 56.
- [22] جُزي، محمد بن احمد الكلبي، التسهيل لعلوم التنزيل، ج 1، ص 7.
- [23] فيض كاشاني، محسن، تفسير الصافي، ج 1، ص 47.
- [24] زنجاني، ابو عبدالله، تاريخ القرآن، ص 76.
- [25] خويي، سيد ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، ص 222.
- [26] عسكري، سيد مرتضي، القرآن و روايات المدرستين، ج 3، ص 200.
- [27] عاملي، سيد جعفر مرتضي، حقائق هامة حول القرآن الكريم، ص 152 - 172.
- [28] ابن خطيب، الفرقان، ص 47.
- [29] آلغازي، ملا حويش، بيان المعاني، ج 1، ص 4.
- [30] خويي، سيد ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، ص 222.
- [31] عاملي، سيد جعفر مرتضي، حقائق هامة، ص 152.
- [32] منابع شيعي اين احاديث، عمدتاً كتاب سليم بن قيس هلاقي، بصائر الدرجات، از محمد بن حسن صفار (م 290 ق)، تفسير منسوب به علي بن ابراهيم قمي (م 320 ق)، تفسير العياشي، از محمد بن مسعود بن عياش (م 320 ق)، اثبات الوصيه، منسوب به علي بن حسين مسعودي (م 346 ق)، التوحيد، صدوق (م 381 ق) و

مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی (م 588 ق) است. این کتابها هر یک به‌گونه‌ای ضعف سندی و مشکلات استنادی دارند. در این زمینه، دو دسته اشکال به‌طور مشخص مطرح است: یکی در صحت انتساب این کتابها به مؤلفان آنها است؛ مثلاً در مورد تفسیر علی بن ابراهیم یقیناً می‌دانیم که این کتاب از آن علی بن ابراهیم نیست (ر.ک: ایازی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص 330). در مورد بصائرالدرجات نیز نمی‌دانیم کتابی که هم اکنون در اختیار ما است، همان کتاب محمد بن صفار باشد. چون طریق متقن - مانند کتب اربعه - برای اتصال سندی به مؤلف ندارد تا از طریق اجازه و تداول عام به مؤلف منتهی شود و او صحت آن را تأیید کند. از آنجا که در گذشته معمول بوده که صحافان و وراقان در کتاب دست می‌بردند یا مستنسخان به لحاظ گرایش‌های فکری و مذهبی روایات را تغییر می‌دادند، چنین اطمینانی برای عدم تصرف و اتصال آنها به مؤلف وجود ندارد. ر.ک: شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج 8، ص 131. در مورد برخی دیگر از این کتابها مشکل ارسال سندی وجود دارد؛ مانند تفسیر العیاشی که استنساخ‌گر، اسناد روایات را حذف کرده و طریق خبر مشخص نیست. انتساب اثبات‌الوصیه به مسعودی و طریق او معلوم نیست. مناقب ابن شهر آشوب، طریق روایات خود را مشخص نمی‌کند و به این جهت مشکل مربوط به راویان هم دارد؛ مانند ابان بن ابی‌عیاش (م 138ق) در طریق کتاب سلیم بن قیس که در رجال ضعیف خوانده شده است. ر.ک: کتاب سلیم، ج 1، ص 157-234، به‌ویژه صفحه 216 درباره ابان. به این جهت، بحث ما در استناد به این روایات، با صرف نظر از مباحث سندی و رجالی است.

- [33] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج 2، ص 581.  
 [34] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج 2، ص 656.  
 [35] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج 2، ص 625.  
 [36] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج 2، ص 581 و 657.  
 [37] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج 2، ص 50.  
 [38] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج 2، ص 150.  
 [39] حسان، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ج 1، ص 37.  
 [40] حسان، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ج 1، ص 37.

- [41] قمي، علي بن ابراهيم، تفسيرالقمي، ج 2، ص 455.
- [42] ابن ضريس، فضائلالقرآن، ص 36.
- [43] صفار، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 193.
- [44] ابن نديم الفهرست، ص 30.
- [45] عياشي، محمد بن مسعود، تفسيرالعياشي، ج 3، ص 70.
- [46] مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 28، ص 231.
- [47] مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 53، ص 36.
- [48] مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفاتالشيخالمفيد، ج 4، ص 81.
- [49] فيض كاشاني، محسن، تفسيرالصافي، ج 1، ص 47.
- [50] زنجاني، ابو عبدالله، تاريخالقرآن، ص 76.
- [51] خويي، سيد ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، ص 222.
- [52] هلاي، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس، ج 2، ص 581؛ مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 89، ص 40.
- [53] هلاي، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس، ص 582.
- [54] هلاي، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس، ص 657؛ مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 89، ص 41.
- [55] راميار، محمود، تاريخ قرآن، ص 333.
- [56] ر.ك: زرکشي، بدرالدين، البرهان في علومالقرآن، ج 2، ص 6.
- [57] راميار، محمود، تاريخ قرآن، ص 335.
- [58] راميار، محمود، تاريخ قرآن، ص 337.
- [59] بخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاري، ج 3، ص 226.
- [60] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج 1، ص 240، ج 2.
- [61] همان، ج 1.
- [62] همان، ج 3؛ صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 43.
- [63] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج 1، ص 241، ج 4.
- [64] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج 1، ص 241، ج 5.
- [65] ر.ك: عاملي، اكرم بركات، حقيقة مصحف فاطمة عندالشيعة.

- [66] مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 42،  
ح 71.
- [67] مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 45.
- [68] مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 43.
- [69] قصير عاملي، مصطفى، كتاب علي  
والتدوين المبكر، ص 23.
- [70] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
143.
- [71] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
166.
- [72] به عنوان نمونه به روایت صفحات 166 و 165 و  
147 مراجعه کنید.
- [73] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج  
1، ص 239؛ صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات،  
ص 143.
- [74] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
145.
- [75] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج  
1، ص 241.
- [76] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
144.
- [77] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
143.
- [78] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج  
1، ص 241.
- [79] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
148.
- [80] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
160.
- [81] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
164 و 143.
- [82] مسند احمد بن حنبل، ج 1، ص 118 و 100.
- [83] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص  
145؛ مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 35.
- [84] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج  
1، ص 242 و 240؛ صفار قمي، محمد بن حسن،  
بصائرالدرجات، ص 161 و 157.
- [85] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج  
1، ص 241. در روایت آمده: «مثل فخذ الفالج.».
- [86] ر.ك: صدوق، معاني الاخبار، ص 379، ح 3. روایت  
چنين است: «كانت معلقة في ذوابة السيف او  
قراية.».



- [87] مصطفي قصير اين نظريه را نقل مي‌کند، اما قائل آن را مشخص نمي‌سازد. ر.ك: قصير عاملي، مصطفي، كتاب علي و التدوين المبكر، ص 57.
- [88] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 144.
- [89] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 144.
- [90] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 160.
- [91] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 144.
- [92] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 147.
- [93] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 147.
- [94] حرعاملي، وسائلالشيعة، ج 24، ص 13؛ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج 6، ص 219؛ طوسي، تهذيبالاحكام، ج 9، ص 2.
- [95] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 162.
- [96] مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، ج 9، ص 143.
- [97] پيشتر، منابع اين روايات را آورده ايم.
- [98] مجلسي، محمدباقر، بحارالانوار، ج 26، ص 37؛ صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 41.
- [99] محدثين اهل سنت، به ويژه شارحان صحيح بخاري، مانند نووي و ابن حجر عسقلاني و عيني، اين اخبار را مستمسك کرده، روايات ديگري را كه از طريق اهل سنت درباره علوم علي (ع) و اهلبيت رسیده، مورد حمله قرار داده‌اند و شيعة را از اين جهت براي نقل اين روايات ملامت کرده‌اند. ر.ك: قصير عاملي، مصطفي، كتاب علي و التدوين المبكر، ص 56 - 63.
- [100] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج 1، ص 241: «صحيفة طولها سبعون ذراعاً في عرض الأديم مثل فخذ الفالج.»
- [101] هالي، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس، ج 2، ص 657.
- [102] صفار قمي، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص 144.
- [103] ر.ك: همان، ص 161 و 160 و 143 و 142.
- [104] خطيب بغدادي، تقييدالعلم، ص 34 و 33، به نقل از راميار، محمود، تاريخ قرآن، ص 401.

- [105] ر.ك: جولد تسير [گلدزهر] اجنتس،  
مذاهبالتفسيرالاسلامي، ترجمه عبدالعليم نجار، ص 16.
- [106] ر.ك: معرفت، محمد هادي، صيانة القرآن  
من التحريف، ص 211 - 220.
- [107] شهرستاني، عبدالكريم، مفاتيح الاسرار و  
مصايح الانوار، ج 1، ص 120.
- [108] شهرستاني، عبدالكريم، مفاتيح الاسرار و  
مصايح الانوار، ج 1، ص 121.
- [109] حسانى، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل، ج  
1، ص 38.
- [110] صدوق، كمال الدين، ج 1، ص 401؛ مجلسي،  
محمدباقر، بحار الانوار، ج 89، ص 99.
- [111] ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 56.
- [112] ر.ك: مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج 89،  
ص 88 و 74؛ صفار قمي، محمد بن حسن، بصائر الدرجات،  
ص 193.
- [113] هلاي، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس، ج  
2، ص 659.
- [114] درباره چگونگی برخورد با حديث نبوي، ر.ك:  
ابوريه، محمود، اضواء علي السنة المحمديه، ص 121.
- [115] مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج 42، ص 214،  
ج 15 و 16 و 17 و 19 و 30 و 33؛ مفيد، الارشاد، ص  
10.
- [116] صدوق، عيون اخبار الرضا، ج 1، ص 304، ج 63.
- [117] طوسي، اختيار معرفة الرجال (رجال كشي)، ص  
224. درباره روايات ابوالخطاب و مذمت او از سوي  
امام صادق (ع)، ر.ك: همان، ص 294 - 295.
- [118] مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج 28، ص  
308؛ مسعودي، علي بن حسين، اثبات الوصيه، ص 121 -  
122.
- [119] مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج 26، ص 53  
و 52.
- [120] مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج 26، ص 50.
- [121] مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج 26، ص  
207.
- [122] مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج 42، ص 121  
و 138.
- [123] مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ص 127 و  
138.
- [124] مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ص 163؛ محدث  
قمي، عباس، سفينة البحار، ج 4، ص 264.

- [125] محدث قمی، عباس، الکنی واللقاب، ج 1، ص 304.
- [126] تستری، محمدتقی، قاموسالرجال، ج 8، ص 5.
- [127] قبانیچی در کتاب مسندالامام علی، عمده مطالب جلد اول و دوم را به روایاتی اختصاص داده که از حضرت در باب قرآن نقل شده است. حجم این روایات، گویای نقل گسترده ائمه (ع) از حضرت در باب تفسیر است؛ گرچه برای ما روشن نیست که ائمه (ع) چقدر در باب تفسیر قرآن سخن گفته‌اند، و آنچه برای قضاوت به ما رسیده همین مقدار است. البته باید در کنار این روایات، روایات دیگری را که از طرق ابن عباس، حسن بصری، ابن جبیر و دیگران نقل شده و صریحاً نام حضرت در آن‌ها نیامده است، اما شواهد گویای آن است که از اهل بیت (ع) باشند، به حساب آورد.
- [128] الکافی، ج 2، ص 462.
- [129] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج 1، ص 204.
- [130] ابن ندیم، الفهرست، ص 30.
- [131] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 374.
- [132] ر.ک: همان، ص 375 - 377.
- [133] بقره، آیه 137.
- [134] ابن بطوطه، رحله، ج 1، ص 54؛ ابن کثیر، فضائل القرآن، ص 51.
- [135] رومی، فهد، دراسات فی علوم القرآن، ص 95.
- [136] زرقانی، مناهل العرفان، ج 1، ص 403.
- [137] زرقانی، مناهل العرفان، ج 1، ص 403.
- [138] ر.ک: صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص 88.
- [139] ابن ندیم، الفهرست، ص 30.
- [140] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 374، به نقل از: مقریزی، خطه، ج 1، ص 480.
- [141] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص 374، به نقل از: مقریزی، خطه، ج 1، ص 480.
- [142] رکنی، محمد مهدی، نامه هدایت، پیوستها از صفحات 260 به بعد.
- [143] ر.ک: خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص 157.
- [144] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ص 105 - 120.
- [145] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ص 235، ج 2؛ مازندرانی، ملا صالح، شرح اصول الکافی، ج 11، ص 76.

- [146] محدث نوري، حسين، فصل الخطاب، ج 3؛ مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج 89، ص 88، ج 28؛ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج 2، ص 633، ج 23.
- [147] قفاري، ناصر بن عبدالله بن علي، اصول مذهب الشيعة الامامية الاثني عشرية، ج 1، ص 202.
- [148] قفاري، ناصر بن عبدالله بن علي، اصول مذهب الشيعة الامامية الاثني عشرية، ج 1، ص 235 - 236 و 229.
- [149] اين كتاب را محمد باقر انصاري تحقيق، و نشر الهادي در سه مجلد منتشر کرده است.
- [150] تهراني، آقا بزرگ. الذريعة الي تصانيف الشيعة، ج 17، ص 276.
- [151] ر.ك: معرفت، محمد هادي، صيانة القرآن من التحريف، ص 225.
- [152] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، كتاب فضل القرآن.
- [153] خويي، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج 11، ص 394؛ نجاشي، ابوالعباس، رجال النجاشي، ص 338؛ طوسي، فهرست كتب الشيعة و اصولهم، ص 264.
- [154] تستري، محمدتقي، قاموس الرجال، ج 9، ص 500. به همين دليل رجاليون برخي از طرق حديثي يونس را معلول و داراي مشكل دانسته اند؛ مثل طريق محمد بن عيسي. ر.ك: اردبيلي، جامع الرواة، ج 2، ص 357.
- [155] سيوطي، جلال الدين، الاتقان، ج 3، ص 82.
- [156] سيوطي، جلال الدين، الاتقان، ج 3، ص 82.
- [157] تفصيل اين موارد را مي توانيد در: سيوطي، جلال الدين، الاتقان، ج 3، ص 82 - 85 ببينيد.
- [158] عميدي، ثامر هاشم، دفاع عن الكافي، ج 2، ص 344.
- [159] كليني، محمد بن يعقوب، الكافي في الاصول، ج 2، ص 634، پاورقي شماره 3، تحقيق علي اكبر غفاري.
- [160] عميدي، ثامر هاشم، دفاع عن الكافي، ج 2، ص 344.

## فهرست مطالب

2	مقدمه
4	مصحف چیست
4	مصحف امام علي
5	مصحف امام علي در منابع شيعه
6	مصحف امام علي در منابع اهل سنت
8	ناقدان سني مصحف امام علي
	دیدگاه مورخان و مفسران درباره مصحف امام علي
9	
15	چگونگی مصحف امام علي
15	ویژگی‌های مصحف امام علي
17	محتوای مصحف امام علي
20	مصحف امام علي و دیگر مصحف‌ها
21	سرنوشت مصحف‌ها
22	مصحف امام علي و مصحف فاطمه
24	ویژگی‌های مصحف امام علي
25	کتاب علي
26	ویژگی‌های کتاب امام علي
29	نسبت میان صحیفه و کتاب امام علي
32	نسبت میان کتاب و مصحف امام علي
34	چگونگی نگارش مصحف امام علي
38	همکاران امام علي در کار گردآوری
39	سرنوشت مصحف امام علي
44	در جستجوی مصحف امام علي
44	مصحف‌های منسوب به امام علي
47	شبهه‌ها و اشکال‌ها
61	فهرست مطالب